

تأثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمدي تحت حاکمیت اقتصاد مقاومتی: رهیافت تعادل عمومی قابل محاسبه (مطالعه موردی ایران)

علی حسین صمدی*، ابراهیم هادیان**، پرویز رستم‌زاده*** و حمزه شیخانی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمدي در ایران با توجه به عوامل نهادی-اجتماعی مورد تأکید سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی است. برای رسیدن به این هدف، الگوی دکالو و همکاران (۲۰۱۳) تعدیل و براساس داده‌های ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰ حل شده است. نتایج نشان می‌دهد در وضعیت فعلی کشور، کاهش نرخ تعرفه در بخش‌های زراعت و باغداری، جنگلداری و معدن موجب کاهش نابرابری و در بخش‌های صنایع غذایی، صنایع با فناوری پایین، صنایع با فناوری بالا، آموزش عالی، حمل‌ونقل و سایر خدمات موجب افزایش نابرابری در مناطق شهری و روستایی خواهد شد. با کاهش نرخ تعرفه در بخش صنایع با فناوری متوسط، ابتدای نابرابری در مناطق شهری و روستایی کاهش و سپس افزایش خواهد یافت. کاهش نرخ تعرفه در بخش‌های نفت و گاز و بهداشت، تأثیری بر نابرابری در مناطق شهری و روستایی ندارد. همچنین این نتیجه حاصل شده است که در حالت تحقق اقتصاد مقاومتی و بهبود وضعیت نهادی، کاهش نرخ تعرفه در همه بخش‌های تولیدی، موجب کاهش نابرابری خواهد شد. کاهش نرخ تعرفه در بخش‌های آموزش ابتدایی و متوسطه، مسکن و سایر بخش‌ها به دلیل عدم ارتباط این بخش‌ها با جهان خارج، هم در وضعیت فعلی و هم در زمان بهبود وضعیت نهادی در نتیجه تحقق اقتصاد مقاومتی، تأثیری بر نابرابری ندارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در کنار اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، به بهبود وضعیت نهادی کشور توجه شود.

طبقه‌بندی JEL: F6, D310, C6, B5.

کلیدواژه‌ها: آزادسازی تجاری، اقتصاد مقاومتی، الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه، ایران، عوامل نهادی-اجتماعی، نابرابری درآمد.

* دانشیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز - نویسنده مسئول، پست الکترونیکی: asamadi@rose.shirazu.ac.ir

** دانشیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز، پست الکترونیکی: ehadian@rose.shirazu.ac.ir

*** استادیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز، پست الکترونیکی: parvizrostamzadeh@shirazu.ac.ir

**** دانشجوی دکتری بخش اقتصاد دانشگاه شیراز، پست الکترونیکی: sheikhiani_kaki@yahoo.com

۱- مقدمه

ارتباط بین آزادسازی تجاری و نابرابری در آمد یکی از موضوعات مهم و موردعلاقه در ادبیات اقتصادی به شمار می‌رود. اهداف ۲ و ۸ توسعه هزاره سوم بر نقش مهم دستیابی به فناوری جدید به وسیله تجارت و ارتباطات جهانی، انتقال فناوری، پیشرفت حکمرانی و محیط کسب و کار تاکید دارد. افزایش تجارت بین کشورها موجب انتقال دانش و فناوری شده و با افزایش نوآوری در کشور دریافت کننده فناوری (مقصد)، بهره‌وری در این کشور را افزایش خواهد داد. ارتباط بین رشد بهره‌وری و توزیع متوازن در آمد نیز به تشکیل سرمایه اجتماعی، بهبود ساختارها و وضعیت تجارت بستگی دارد (داس^۱، ۲۰۱۲: ۶۲۱). بنابراین، آزادسازی تجاری می‌تواند با توجه به قدرت فناوری، توان فکری و دانشی و عوامل نهادی-اجتماعی یک کشور عامل مهمی برای مقابله با نابرابری در آمد باشد.

بررسی‌ها نشان داده است که آزادسازی تجاری بسته به شرایط اولیه و ساختار اقتصادی و عوامل نهادی-اجتماعی کشورها آثار متفاوت و گاه متناقضی بر توزیع در آمد آن‌ها بر جای گذاشته است به طوری که در برخی کشورها با گسترش سطح تجارت، توزیع در آمد بهتر و در برخی دیگر بدتر شده است (اصغریور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۴). در این مقاله بر نقش عوامل نهادی-اجتماعی شامل سرمایه اجتماعی مبتنی بر ظرفیت جذب، شاخص‌های حکمرانی، تناسب فناوری و پذیرش اجتماعی تاکید شده است.

یکی از سیاست‌هایی که بر تقویت عوامل نهادی-اجتماعی و سرریز فناوری تاکید دارد، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که از سال ۱۳۹۲ با هدف ایجاد اقتصادی دانش‌بنیان، بومی، مولد، درون‌زا، برون‌گرا، انعطاف‌پذیر، عدالت‌بنیان و مردم‌بنیاد توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. با توجه به تحولات اخیر در حوزه‌های دیپلماسی (سیاسی و اقتصادی) و طرح موضوع اقتصاد مقاومتی از طرف مقام معظم رهبری، این سوال مطرح است که تحقق اقتصاد مقاومتی چه تاثیری می‌تواند بر رابطه بین آزادسازی تجاری و نابرابری در آمدی داشته باشد؟ هدف این مقاله ایجاد سازوکاری است که نشان دهد کاهش نرخ تعرفه واردات و آزادسازی تجاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، می‌تواند با توجه به عوامل نهادی-اجتماعی مورد تاکید سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، نابرابری در آمد را کاهش دهد. با توجه به نقش اقتصاد مقاومتی در تقویت عوامل نهادی-اجتماعی، اجرای سیاست‌های ابلاغ‌شده در این خصوص، می‌تواند

سرریز فناوری و بهره‌وری را تقویت کرده و با افزایش سطح تولید و درآمد، موجب بهبود در توزیع درآمد شود. برای رسیدن به این هدف با استفاده از یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه، تاثیر کاهش نرخ تعرفه واردات (به‌عنوان شاخص آزادسازی تجاری) در ۱۵ بخش اقتصادی بر ضریب جینی (به‌عنوان شاخص نابرابری درآمدی) و با توجه به نقش اقتصاد مقاومتی در تقویت شاخص‌های نهادی-اجتماعی بررسی شده است.

برای پاسخ به این سوال، مقاله حاضر در هفت قسمت تنظیم شده است. بعد از مقدمه در قسمت اول، مبانی نظری در قسمت دوم، مروری بر مطالعات تجربی در قسمت سوم و الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه تعدیل شده در قسمت چهارم آورده شده است. نتایج تجربی در قسمت پنجم، تجزیه و تحلیل نتایج در قسمت ششم و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و پیشنهادها نیز در قسمت آخر آورده شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- نابرابری درآمدی و اقتصاد مقاومتی

نابرابری پدیده‌ای اجتماعی است که بیانگر تفاوت قابلیت افراد در دستیابی به منابع اقتصادی است و تفاوت در شرایط اقتصادی اشخاص و گروه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. نابرابری ابعاد مختلفی از جمله نابرابری در توزیع درآمد، ثروت، مصرف، دستمزد و پس‌انداز افراد جامعه دارد (فطرس و معبودی، ۱۳۹۰: ۳۴۲). مساله کاهش نابرابری و توزیع درآمد به دو دلیل برای دولت‌ها حائز اهمیت است؛ نخست اینکه توزیع درآمد بعد مهمی از عدالت را تشکیل می‌دهد و دوم اینکه بر متغیرهای کلان اقتصادی تاثیرگذار است (عبداله میلانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

از دیدگاه اسلام، کاهش نابرابری‌های اقتصادی از عوامل مهم و اساسی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع به حساب می‌آید. این مساله تا جایی اهمیت دارد که در قرآن کریم، یکی از خصوصیات گروه انصار در مدینه از خود گذشته‌گی در عین نیاز عنوان شده است (قرآن کریم، حشر: آیه ۹). در اسلام، وجود نابرابری در جامعه برای تمامی افراد و به‌خصوص برای دولت اسلامی تکلیف ایجاد می‌کند. اصلی‌ترین وظیفه دولت اسلامی کاهش نابرابری است، زیرا دولت اسلامی دارای جایگاه مهمی است و باید در فرایند دستیابی به اهداف شرعی مانند

عدالت، نقش خود را ایفا کند. اسلام دولت را مکلف به تامین کامل وسایل زندگی عموم مردم کرده است.

منظور از کاهش نابرابری در آمدی، تامین سطح معیشت برای همه افراد جامعه است. بنابراین، هدف و وظیفه دولت، کوشش برای رساندن سطح زندگی مردم عقب مانده به عالی-ترین سطح رفاه عمومی است. به تناسب وظیفه و مسئولیتی که دولت در ایجاد توازن جمعی دارد، اختیارات و امکاناتی نیز برای اجرا و عمل کردن در اختیارش قرار داده شده است. یکی از آن موارد، اختیارات قانونی و حقوقی برای تنظیم روابط اقتصادی جامعه و نظارت بر تولید است (صدر، ۱۳۶۰). دولت با استفاده از این اختیارات قانونی و حقوقی می تواند از طریق اعمال سیاست های تجاری مناسب به کاهش نابرابری در جامعه کمک کند.

از آنجا که چارچوب های حاکم بر اقتصاد مقاومتی همان اصول نظام اقتصاد اسلامی است (امیری طهرانی زاده، ۱۳۹۴؛ جمالی و جابری ۱۳۹۴؛ اسدی، ۱۳۹۳ و میرمعزی، ۱۳۹۱)، بنابراین، دولت باید از طریق اتخاذ سیاست های مناسب تجاری در شرایط وجود فشارهای تحریم، تکانه های داخلی و خارجی و بی عدالتی بین المللی، نابرابری را در جامعه اسلامی کاهش دهد. هدف این مقاله، شبیه سازی نقش اقتصاد مقاومتی و شاخص های نهادی-اجتماعی بر رابطه بین آزادسازی تجاری و نابرابری در آمدی در ایران است.

در بندهای متعددی از سیاست های اقتصاد مقاومتی به موضوع عدالت اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است. تاکید بر ارتقای در آمد و نقش طبقات کم در آمد و متوسط (بند ۱)، ارتقای شاخص های عدالت اجتماعی (بند ۴)، افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کار آفرینی و تجربه (بند ۵) و تامین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی (بند ۷)، همگی به موضوع عدالت اقتصادی و اجتماعی اشاره دارند.

۲-۲- سرریز فناوری، بهره وری و سیاست های اقتصاد مقاومتی

در نظریه های مرسوم تجارت بین الملل، بهره وری یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده الگوی تجارت خارجی است. مهم ترین نظریه در این چارچوب، نظریه مزیت نسبی ریکاردو^۱ است که براساس آن، تفاوت بهره وری میان کشورها موجب تفاوت قیمت بین آنها شده و تجارت بین این کشورها را شکل می دهد. انطباق با فناوری های جدید می تواند بهره وری را

افزایش داده و موجب ایجاد اشتغال، افزایش تولید، افزایش رفاه و کاهش قیمت‌ها شود (هاسین^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۲).

از نظر میجل و تونگرن^۲ (۱۹۹۹)، نرخ رشد بهره‌وری کشورها به سرریز فناوری بستگی دارد. سرریز فناوری تحت تاثیر شاخص‌هایی همچون سرمایه انسانی (ظرفیت جذب)، توسعه منابع انسانی (پذیرش فناوری)، دستیابی به فناوری (تناسب فناوری) و حکمرانی است. از نظر داس (۲۰۱۵)، لوکاس^۳ (۲۰۰۹) و کو^۴ و همکاران (۲۰۰۸) انتقال فناوری از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه می‌تواند موجب انتقال و سرریز دانش شده و بهره‌وری را افزایش دهد. این به آن معنی است که بهره‌وری عوامل تولید، ترکیبی از فناوری و نهادها است. داس (۲۰۱۲) معتقد است با افزایش بهره‌وری در کشور مبدا تجارت، هر چه وضعیت نهادی در کشور مقصد بهتر باشد، سرریز فناوری از مبدا به مقصد بیشتر خواهد بود.

بررسی متن سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد (جدول (۱)) بندهای ۱، ۲، ۵ و ۱۰ به اهمیت جذب فناوری (شاخص ظرفیت جذب)، بندهای ۲، ۳، ۲۰ و ۲۲ به اهمیت توسعه منابع انسانی (شاخص پذیرش اجتماعی)، بندهای ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۹ و ۲۲ به اهمیت شاخص حکمرانی (شاخص حکمرانی خوب) و بندهای ۶، ۱۰ و ۱۲ به اهمیت تناسب فناوری تاکید دارند. تقویت این شاخص‌ها با افزایش سطح دانش و فناوری و بهره‌وری از یک طرف می‌تواند موجب افزایش مقاومت در یک اقتصاد شود و از طرف دیگر، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند باعث تقویت این شاخص‌ها در اقتصاد شود. علاوه بر آن، در بند سوم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و مزیت‌های مناطق کشور تاکید شده است. بند بیستم نیز به تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد اشاره دارد. همچنین براساس اسناد بالادستی همانند سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، سیاست‌های کلی علم و فناوری (ابلاغ‌شده در ۱۳۹۲/۶/۲۹) و مطالعات انجام‌شده (شقافی شهری، ۱۳۹۶)، تحقق اقتصاد مقاومتی، می‌تواند باعث افزایش سرریز فناوری و بهره‌وری شود. همه این موارد نشان از اهمیت توجه به رشد بهره‌وری و سرریز فناوری در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی است.

1- Hassin

2- Meijl and Tongeren

3- Lucas

4- Coe

جدول (۱): شاخص‌های نهادی- اجتماعی و سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی

بندهای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مرتبط	عوامل تعیین پارامتر کسب فناوری
<p>۱- تامین شرایط و فعال‌سازی تمامی امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به بیشینه رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی (بند ۱)، ۲- تحقق اقتصاد دانش‌بنیان به طوری که صادرات محصولات و خدمات، مبتنی بر کالاهای دانش‌بنیان باشند (بند ۲)، ۳- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش به ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه (بند ۵)، ۴- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات با خالص ارزآوری مثبت با ایجاد ارزش افزوده از طریق افزایش سهم سرمایه انسانی با ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت و کارآفرینی (بند ۵ و بند ۱۰).</p>	<p>ظرفیت جذب فناوری (AC)^۱</p>
<p>۱- پیشنهادی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری (بند ۲)، ۲- تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد با تقویت عوامل تولید و توانمندسازی نیروی کار و افزایش رشد بهره‌وری (بند ۳)، ۳- تقویت فرهنگ جهادی در زمینه افزایش صادرات و کاهش واردات (بند ۲۰)، ۴- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب (بند ۲۲).</p>	<p>شاخص پذیرش اجتماعی (SA)^۲</p>
<p>۱- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم درخصوص صادرات کالاها و خدمات (بند ۱۰)، ۲- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف (بند ۱۰)، ۳- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور (بند ۱۱)، ۳- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از تجارت بین‌الملل و افزایش صادرات (بند ۱۲)، ۴- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های تجاری و ارزی (بند ۱۹)، ۵- مدیریت مخاطرات اقتصادی در زمینه تجارت از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند و سریع و بهنگام در برابر اختلال‌های خارجی و داخلی درزمینه تجارت بین‌الملل (بند ۲۲).</p>	<p>شاخص حکمرانی (GP)^۳</p>
<p>۱- اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تامین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص (بند ۶)، ۲- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه در کشورهای منطقه (بند ۱۰)، ۳- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه کشورهای همسایه (بند ۱۲).</p>	<p>شاخص تناسب فناوری (TC)^۴</p>

ماخذ: یافته‌های پژوهش

- 1- Absorption Capacity
- 2- Social Acceptance
- 3- Governance Parameter
- 4- Technology Congruence

۲-۳- آزادسازی تجاری، نابرابری درآمدی و آموزه‌های اقتصاد مقاومتی

آزادسازی تجاری عبارت از حذف یا کاهش موانع تجاری (شامل تعرفه‌ها و یارانه‌های صادراتی) در مبادلات بین‌المللی است (سالم و یوسف‌پور، ۱۳۹۱: ۹۴). عوامل مختلفی در کاهش نابرابری درآمدی موثر هستند. این عوامل را می‌توان به عوامل اقتصادی^۱، اجتماعی^۲، فرهنگی و سیاسی و به‌طور کلی عوامل نهادی و اقتصادی دسته‌بندی کرد.

نظریه‌های مختلفی در خصوص تاثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمد وجود دارد. نظریه‌های مرسوم تجارت بین‌الملل همچون نظریه هکشر-اوهلین، استالپر-ساموئلسون و نظریه جدید تجارت، افزایش سطح تجارت را موجب تغییر نابرابری می‌دانند. تاکید این نظریه‌ها بر تفاوت فراوانی عوامل تولید در بین کشورهای جهان است. نظریه هکشر-اوهلین و استالپر-ساموئلسون بیان می‌کنند که تجارت در کشورهای توسعه‌یافته (شمال) با افزایش بازدهی واقعی نیروی کار ماهر فراوان و کاهش بازدهی نیروی کار غیرماهر، نابرابری درآمدی را افزایش و در کشورهای درحال توسعه (جنوب) کاهش می‌دهد. نظریه جدید تجارت نیز بیان می‌کند که تجارت بین کشورهای بیشتر است که درآمد، سلیقه و ساختار تولید مشابه داشته باشند. از این منظر، صرفه‌جویی نسبت به مقیاس موجب کاهش قیمت‌ها و افزایش صادرات می‌شود و در نتیجه نیروی کار ماهر سود برده و نیروی کار غیرماهر متضرر شده و بنابراین با افزایش تجارت، نابرابری درآمدی در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر می‌شود.

تحولات جهانی نشان داده‌اند که این نظریه‌ها نتوانسته به خوبی معضلات کشورهای درحال توسعه را توصیف کنند. به جهت کاستی‌های موجود در نظریه‌های اقتصادی در حل معضلات کشورهای درحال توسعه، بسیاری از جریان‌های دگراندیش از جمله اقتصاددانان نهادی به بازنگری‌های اساسی در چارچوب معرفتی و ایدئولوژیک رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک ترغیب شده‌اند. اقتصاد نهادی، به جای ارائه گزاره‌های جهان‌شمول و احکام قطعی و یکسان برای کشورهای مختلف به مقتضیات ارزشی، فرهنگی و

۱- به ابونوری (۱۳۷۶)، صمدی (۱۳۸۱)، ابونوری و خوشکار (۱۳۸۷)، صمدی و آماره (۱۳۸۹)، ابونوری و ذوقی (۱۳۹۲) و ... مراجعه شود.

۲- برای نمونه به صمدی و آماره (۱۳۸۹) مراجعه شود.

ویژگی‌های خاص هر کشور و نقش نهادهای اقتصادی و اجتماعی و ساختارهای حقوقی در عملکرد اقتصادی کشورها تاکید می‌کند.

رویکرد مقاله حاضر توجه به آموزه‌های این مکتب و سنجش تاثیر این آموزه‌ها بر رابطه بین آزادسازی تجاری و نابرابری درآمدی است. برای رسیدن به این هدف، تاثیر آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد از منظر بهره‌وری و با توجه به آموزه‌های مکتب اقتصاد نهادی بررسی می‌شوند. در شکل (۱) شمایی از چارچوب مبانی نظری مدنظر ارائه شده است. الگوی مفهومی در این شکل نشان می‌دهد، تجارت می‌تواند با تاثیر بر جریان دانش و سرریز فناوری، بر بهره‌وری (و تولید) اثر گذاشته و موجب تغییر ضریب جینی شود. علاوه بر آن، تحقق اقتصاد مقاومتی می‌تواند از یک طرف با تقویت عوامل نهادی و تاثیر بر پارامتر کسب و از طرف دیگر با تقویت تاب‌آوری اقتصادی، بر سرریز فناوری و بهره‌وری اثر گذاشته و با تغییر تولید بر ضریب جینی (شاخص نابرابری) اثرگذار باشد.

۳- مروری بر مطالعات تجربی

مطالعات گسترده‌ای در خصوص اثر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمد در داخل و خارج کشور انجام شده، اما در هیچ‌یک از این مطالعات اثر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر عوامل نهادی-اجتماعی و رابطه آزادسازی تجاری و نابرابری درآمد دیده نشده است. این مطالعات را می‌توان به چهار گروه کلی تقسیم کرد:

۱- گروه اول شامل مطالعاتی است که با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و یا الگوهای تعادل عمومی، رابطه آزادسازی تجاری و نابرابری درآمدی را بررسی کرده‌اند. این مطالعات را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول مطالعاتی هستند که رابطه بین تجارت و نابرابری درآمد را به‌طور مستقل و فارغ از عوامل دیگر بررسی کرده‌اند. برخی مانند بارو^۱ (۲۰۰۰)، فلاحتی و همکاران (۱۳۹۴) و اصغریور و همکاران (۱۳۹۳) نشان داده‌اند که تجارت و آزادسازی تجاری موجب افزایش نابرابری درآمدی شده و برخی همانند دلار و کرای^۲ (۲۰۰۲)، وایت و آندرسون^۳ (۲۰۰۱) و ادوارد^۴ (۱۹۹۷) نشان داده‌اند که آزادسازی تجاری موجب کاهش نابرابری شده است. دسته دوم، رابطه تجارت و نابرابری را به سطح توسعه کشورها ارتباط می‌دهند. این مطالعات (کاهی و سیمونز^۵ (۲۰۰۵)؛ کالدرون و چانگ^۶ (۲۰۰۱) و راولیان^۷ (۱۹۹۴)) بیان می‌کنند که آزادسازی تجاری در کشورهای درحال توسعه، موجب افزایش نابرابری و در کشورهای توسعه یافته موجب کاهش نابرابری می‌شود. دسته سوم، مطالعاتی همانند فیشر^۸ (۲۰۰۱)، اسپیلیمبرگ^۹ و همکاران (۱۹۹۹)، برقی اسکویی و همکاران (۱۳۸۸)، صادقی و برقی اسکویی (۱۳۸۷) و طیبی و مصری نژاد (۱۳۸۶) هستند که رابطه تجارت و نابرابری را به میزان عوامل اولیه تولید در هر کشور نسبت داده و معتقدند آزادسازی تجاری در برخی بخش‌های اقتصادی موجب افزایش نابرابری و در برخی دیگر موجب کاهش نابرابری می‌شود.

1- Barro

2- Dollar and Kraay

3- White and Anderson

4- Edwards

5- Kahai and Simmons

6- Calderon and Chong

7- Ravallion

8- Fischer

9- Spilimbergo

برقی اسکویی و همکاران (۱۳۸۸) با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه نشان داده‌اند که آزادسازی تجاری و کاهش نرخ تعرفه کالاهای وارداتی در ایران منجر به بهبود توزیع درآمد خانوارهای شهری و روستایی می‌شود. صادقی و برقی اسکویی (۱۳۸۷) نیز نشان داده‌اند که کاهش نرخ تعرفه کالاهای وارداتی در ایران موجب کاهش نابرابری دستمزدها می‌شود. همچنین کاهش نرخ تعرفه کالاهای مربوط به صنایع غذایی، پوشاک و نساجی سبب افزایش نابرابری دستمزدها و کاهش نرخ تعرفه کالاهای کشاورزی سبب کاهش نابرابری دستمزدها شده است. علاوه بر آن طیبی و مصری‌نژاد (۱۳۸۶) با استفاده از یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه نتیجه گرفته‌اند که تعدیل تعرفه‌های وارداتی در بخش کشاورزی، رفاه خانوارها را افزایش و سطح درآمد و مصرف خانوارها را افزایش می‌دهد.

۲- گروه دوم مطالعات (مانند داس، ۲۰۱۵؛ لوچنکو^۱، ۲۰۰۷؛ رضاپور و امیری، ۱۳۹۳ و آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۰) ارتباط بین تجارت و نهادها را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته اول، تقویت نهادها را موجب تقویت تجارت بین‌الملل می‌دانند. نتایج بیشتر این مطالعات تجربی همانند گانی و پراساد^۲ (۲۰۰۶)، دی گروت^۳ و همکاران (۲۰۰۳)، اندرسون و مارکویلر^۴ (۲۰۰۰) و آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که در مقایسه با سایر عوامل موثر بر تجارت دوطرفه، کیفیت نهادها از اثرگذاری بیشتری برخوردار است. دسته دوم (مانند دلار و کرای، ۲۰۰۲)، معتقدند نهادها فقط در کوتاه‌مدت موجب افزایش تجارت می‌شوند. دسته سوم (مانند لاوالی^۵، ۲۰۰۵؛ و جانسن و نرداس^۶، ۲۰۰۴)، اثر نهادها بر تجارت را نامشخص می‌دانند.

۳- گروه سوم، مطالعاتی (مانند لین و فو^۷، ۲۰۱۶؛ داس، ۲۰۱۲ و داس، ۲۰۰۷) هستند که ارتباط بین نهادها، تجارت و نابرابری درآمد را بررسی کرده‌اند. نتایج آن‌ها بیان می‌کند،

1- Levchenko

2- Gani and Prasad

3- De Groot

4- Anderson and Marcouiller

5- Lavallee

6- Jansen and Nordas

7- Lin and Fu

تاثیر تجارت بر نابرابری درآمد به وضعیت نهادی کشور مقصد بستگی دارد و تجارت در صورتی قادر به کاهش نابرابری درآمد است که کشور مقصد از وضعیت نهادی بهتری نسبت به کشور مبدا برخوردار باشد. ویژگی‌های نهادی بهتر، سرریز فناوری را تسهیل کرده و موجب رشد بهره‌وری و در نتیجه کاهش نابرابری درآمد می‌شود.

۴- گروه چهارم، مطالعاتی است که به بررسی مباحث اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند. در این گروه، اثر آزادسازی تجاری بر نابرابری در شرایط اقتصاد مقاومتی بررسی نشده است. امیری پهرانی‌زاده (۱۳۹۴)، اسدی (۱۳۹۳)، حسنی و نصر دهبیری (۱۳۹۳) و خانباشی و بستان‌منش (۱۳۹۴) یکی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی را ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده موجود اقتصادی می‌دانند. این مطالعات در حوزه نظری بوده و وجه مشترک آن‌ها تاکید بر مقابله با تحریم‌ها، توجه به تولید فناوری و تجاری‌سازی دانش و استفاده از توان داخلی و توجه به درون‌زا بودن اقتصاد است. در مطالعاتی چون شقاقی‌شهری (۱۳۹۶)، اخوان و همکاران (۱۳۹۵)، حشمتی‌مولایی (۱۳۹۴) و سیف و حافظیه (۱۳۹۲) از روش‌های تجربی و آماری نیز استفاده شده، اما در هیچ‌کدام تحلیلی از تاثیر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر متغیرهای کلان اقتصادی انجام نشده است.

بررسی مطالعات اشاره شده، نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها، تاثیر تجارت و جهانی شدن را بر نابرابری و توزیع درآمد از طریق روش‌های آماری بررسی کرده‌اند. در سال‌های اخیر، در برخی مطالعات خارجی، تاثیر نهادها نیز به الگوها اضافه شده و تاثیر شاخص‌های نهادی-اجتماعی بر تجارت و یا بر رابطه تجارت و نابرابری بررسی شده است. بیشتر آن‌ها، تاثیر تجارت را از طریق سرریز فناوری بررسی کرده و نابرابری را با شاخص نابرابری دستمزد بین گروه‌های ماهر و غیرماهر و یا شاخص ضریب جینی اندازه‌گیری کرده‌اند.

ویژگی مقاله حاضر این است که علاوه بر ارزیابی تاثیر آزادسازی تجاری در بخش‌های مختلف اقتصادی بر نابرابری درآمد به شبیه‌سازی تاثیر اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر این رابطه با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه و با تلفیق

مطالعات میجل و تونگرن (۱۹۹۹)، داس و پاول^۱ (۲۰۰۰) و داس (۲۰۱۲ و ۲۰۰۷) پرداخته است.

۴- ساختار الگو

برای بررسی تاثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری توزیع درآمد در ایران از دو روش عمده اقتصادسنجی (مانند محمدیان منصور و گلخندان، ۱۳۹۵؛ فلاحتی و همکاران، ۱۳۹۴؛ جلابی و گرگین، ۱۳۹۲ و طیبی و ملکی، ۱۳۹۰) و الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه (مانند صادقی و برقی اسکویی، ۱۳۸۷ و طیبی و مصری نژاد، ۱۳۸۶) استفاده شده است. الگوهای اقتصادسنجی، الگوهای تعادل جزئی هستند و قادر به بررسی وابستگی‌های بین-بخشی نیستند. از آنجا که تحقق اقتصاد مقاومتی می‌تواند بر همه بخش‌های اقتصادی و ارتباطات بین بخشی آن‌ها اثر بگذارد در مقاله حاضر از چارچوب الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه استفاده شده است.

یکی از الگوهای تعادل عمومی، الگوی مشارکت سیاست اقتصادی (PEP)^۲ است. این الگو نسخه‌های متعددی مانند نسخه‌های یک دوره‌ای-یک کشوری (1-1-PEP)، چند دوره‌ای-یک کشوری (1-t-PEP)، چند کشوری-یک دوره‌ای (1-w-PEP) و الگوی پویای بازگشتی چند کشوری-چند دوره‌ای (t-w-PEP) دارد. در مقاله حاضر از الگوی استاندارد 1-1-PEP تدوین شده توسط دکالو و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است. این الگو ۹۸ معادله دارد که شامل معادلات تولید، درآمد و پس‌انداز (خانوار، بنگاه‌ها، دولت و پرداخت‌های انتقالی)، تقاضا، قیمت‌ها (شامل قیمت‌های تولید و تجارت و شاخص‌های قیمت)، تعادل، تولید ناخالص داخلی و مقادیر حقیقی متغیرها و تجارت بین‌الملل است. براساس اهداف این مقاله، تعدیلاتی در بخش معادلات تولید انجام گرفته است که در ادامه توضیح داده می‌شوند.^۳

1- Das and Powell

2- Partnership for Economic Policy (PEP)

۳ - در اینجا فقط دستاورد مقاله حاضر توضیح داده می‌شود. برای مطالعه بیشتر الگوی CGE مربوطه به دکالو و همکاران (۲۰۱۳) مراجعه شود.

در این مقاله با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه بر نقش اقتصاد مقاومتی در کنار عوامل نهادی-اجتماعی برای سرریز فناوری به کشور از طریق تجارت تاکید شده است. تجارت خارجی با انتقال و افزایش سرریز فناوری به داخل موجب افزایش بهره‌وری در تمامی بخش‌های تولیدی خواهد شد. داس و پاول (۲۰۰۰) و میجل و تونگرن (۱۹۹۹) معتقدند که نرخ رشد بهره‌وری به سرریز فناوری بستگی دارد. سرریز فناوری نیز به عوامل نهادی-اجتماعی همانند ظرفیت جذب^۱ (AC_S) و تشابه ساختاری (SC)^۲ بستگی دارد. داس (۲۰۱۲ و ۲۰۰۷)، متغیر تشابه ساختاری را ترکیبی از دو عامل تناسب فناوری (TC)^۴ و حکمرانی خوب (GP)^۵ می‌داند و شاخص پذیرش اجتماعی (SA)^۶ را نیز بر سرریز فناوری موثر می‌داند. پارامتر کسب فناوری معرفی شده توسط داس (۲۰۱۲) عبارت است از (رابطه (۱)):

$$\theta_s = AC_S \cdot SA_S \cdot GP_{RS} \cdot TC_{RS} \quad (1)$$

که در آن، θ_s پارامتر کسب فناوری، AC_S ظرفیت جذب فناوری، SA_S شاخص پذیرش اجتماعی، GP_{RS} شاخص حکمرانی و TC_{RS} پارامتر تناسب فناوری است (نشان‌دهنده کشور مبدأ و S نشان‌دهنده کشور مقصد تجارت است). سرریز فناوری نیز عبارت است از (رابطه (۲)):

$$\gamma_{ijrs} = E_{ijrs}^{1-(AC_S \cdot SA_S \cdot GP_{RS} \cdot TC_{RS})} \quad (2)$$

که در آن γ_{ijrs} پارامتر سرریز فناوری و E_{ijrs} شاخص شدت رابطه تجارت است که شدت رابطه مبادله نهاده‌های خاص مختلف^۷ را نشان می‌دهد. براساس روابط (۱) و (۲)،

-
- 1- Absorption Capacity (AC)
 - 2-Structural Congruence (SC)
 - 3- $\theta_s = AC_S \cdot SC_S$
 - 4- Technological Congruence (TC)
 - 5- Governance Parameter (GP)
 - 6- Social Acceptance (SA)
 - 7- Embodiment Index

عوامل مختلفی بر ظرفیت بهره‌مندی یک کشور از فناوری تاثیر می‌گذارند. یکی از این عوامل، شدت مهارت نیروی کار برای استفاده از فناوری پیشرفته است که ظرفیت جذب (AC) نام دارد و به آموزش و تعداد سال‌های تحصیل بستگی دارد (داس و پاول، ۲۰۰۰: ۶).

از عوامل دیگر موثر بر پارامتر کسب فناوری شاخص پذیرش اجتماعی (SA) است که درجه پیوستگی اجتماعی و پذیرش فناوری را تعیین می‌کند و به توسعه منابع انسانی بستگی دارد. این شاخص عبارت است از (رابطه (۳)):

$$SA_S = \min \left[1, \frac{SA_S}{SA_{threshold}} \right], \quad 0 \leq SA_S \leq 1 \quad (3)$$

در این معادله، SA شاخص پذیرش اجتماعی و SAthreshold، مقدار آستانه^۲ شاخص پذیرش اجتماعی است. این معادله نشان می‌دهد که هر چه مقدار ضریب پذیرش اجتماعی (SA) از مقدار آستانه آن بیشتر باشد، جذب فناوری بیشتر خواهد شد. یکی دیگر از شاخص‌های موثر بر انتقال و جذب فناوری که تناسب ساختاری- نهادی را نشان می‌دهد شاخص تناسب ساختاری (SC_{rs}) است و با رابطه (۴) نمایش داده می‌شود و در آن، TC_{rs} ، شاخص تناسب فناوری است و به صورت رابطه (۵)، تعریف می‌شود.

$$SC_{rs} = GP_{rs} \cdot TC_{rs}, \quad 0 \leq SC_{rs} \leq 1 \quad (4)$$

$$TC_{rs} = \min \left[1, \frac{TC_s}{TC_r} \right], \quad 0 \leq TC_{rs} \leq 1 \quad (5)$$

هم، GP_{rs} شاخص حکمرانی خوب است که با رابطه (۶) مشخص می‌شود و در آن GP_s شاخص حکمرانی مقصد و GP_r شاخص حکمرانی مبدا است. اگر کیفیت نهادی کشور مقصد، همانند مبدا باشد، منافع فناوری بهتر منتقل می‌شود.

1- Term of Trade Intensity for Different Specific Material Inputs

2- Threshold

$$GP_{rs} = \min\{1, GP_s/GP_r\} \quad 0 \leq GP_{rs} \leq 1 \quad (۶)$$

در این مقاله علاوه بر موارد فوق، براساس مبانی نظری مطرح شده در بخش‌های ۲-۲ و ۳-۲، (شاخص) اقتصاد مقاومتی را نیز بر پارامتر کسب و سرریز فناوری موثر می‌دانیم. بر این اساس، سرریز فناوری و پارامتر کسب به عوامل نهادی-اجتماعی و شاخص اقتصاد مقاومتی وابسته هستند. هر چه پارامتر کسب بیشتر باشد به معنای سرریز فناوری بالاتر و بهره‌وری نیروی کار بالاتر است (داس، ۲۰۱۲: ۶۲۸). بنابراین، جریان فناوری ناشی از تجارت و افزایش سطح بهره‌وری ناشی از آن به میزان سرریز فناوری و آن‌هم به عوامل نهادی-اجتماعی و اقتصاد مقاومتی بستگی دارد. هر چه شاخص اقتصاد مقاومتی بالاتر باشد، پارامتر کسب و سرریز فناوری بیشتر و در نتیجه بهره‌وری بیشتر است. بر این اساس، رابطه (۱) را می‌توان به صورت رابطه (۷) تعدیل کرد.

$$\theta'_s = AC_s \cdot SA_s \cdot GP_{rs} \cdot TC_{rs} \cdot (1 + RE_s) = \theta_s \cdot (1 + RE_s) \quad (۷)$$

$$0 \leq RE_s \leq 1$$

در رابطه (۷)، θ'_s پارامتر کسب فناوری^۱ در شرایط جدید و RE_s شاخص اقتصاد مقاومتی است. شاخص اقتصاد مقاومتی (RE_s)، همانند شاخص‌های AC_s و SA_s شاخصی یک‌طرفه است و مقدار آن فقط به مقدار این شاخص در کشور مقصد بستگی دارد، اما شاخص‌های GP_{rs} و TC_{rs} شاخص‌هایی دوطرفه هستند که مقادیر آن‌ها به مقدار این شاخص در کشورهای مبدا و مقصد بستگی دارد.

با توجه به نبود شاخصی برای سنجش اثر اجرای اقتصاد مقاومتی برای انجام کارهای تجربی، می‌توان از شاخص تاب‌آوری بریگاگلیو^۲ و همکاران (۲۰۰۸) که ترکیبی از دو شاخص آسیب‌پذیری و مقاومت‌پذیری است، استفاده کرد. شاخص تاب‌آوری میانگین ساده‌ای از متغیرهای دیگر همانند ثبات اقتصاد کلان، کارایی اقتصاد خرد و توسعه اجتماعی است که برای همه کشورهای جهان معرفی شده است. مقادیر همه این متغیرها بین

1- Technology Capture(θ_s)
 2- Resistive Economic
 3- Briguglio Resilience Index

صفر و یک هستند. بنابراین، مقدار این شاخص بین صفر و یک خواهد بود. از آنجاکه شاخص تاب آوری همه خصوصیات اقتصاد مقاومتی را دارا نیست، وقتی در کنار شاخص-هایی همچون شاخص جذب، تناسب فناوری، حکمرانی و پذیرش اجتماعی قرار گیرد، بهتر می تواند گویای ویژگی های اقتصاد مقاومتی باشد. بنابراین، شاخص اقتصاد مقاومتی را می توان به صورت رابطه (۸) در معادله سرریز فناوری وارد کرد.

$$\gamma_{ijrs} = E_{ijrs}^{1-(AC_s.SA_s.GP_{rs}.TC_{rs})(1+RE_s)} = E_{ijrs}^{1-\theta_s(1+RE_s)} = E_{ijrs}^{1-\theta'_s} \quad (8)$$

$$0 \leq 1 - \theta'_s \leq 1$$

رابطه (۸) نشان می دهد اگر سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در کشور اجرا نشود ($RE=0$)، شرایط همانند قبل خواهد بود، اما در صورت اجرای موفق سیاست های ابلاغی و تحقق اقتصاد مقاومتی، هر چه شاخص اقتصاد مقاومتی (RE_s) بزرگ تر باشد، مقدار پارامتر کسب فناوری (θ'_s) افزایش و در نتیجه $1 - \theta'_s$ کاهش یافته و به دلیل محدودیت $0 \leq E_{rs} \leq 1$ ، سرریز فناوری (γ_{ijrs}) افزایش خواهد یافت. در حالت جدید باید محدودیت $0 \leq 1 - \theta'_s \leq 1$ برقرار باشد. علت برقراری این محدودیت این است که اگر شرایط حدی $RE_s = 1$ و $AC_s.SA_s.GP_{rs}.TC_{rs} = 1$ همزمان برقرار باشد، مقدار $1 - \theta'_s$ منفی شده و نتایج حاصل از جنبه نظری قابل تحلیل نخواهد بود. بنابراین، رابطه (۸) نشان می دهد شاخص اقتصاد مقاومتی در کنار عوامل نهادی-اجتماعی می تواند تعیین کننده ضریب سرریز فناوری به صورت $\gamma_s(AC_s, SA_s, GP_{rs}, TC_{rs}, RE_s)$ باشد. درصد تغییرات بهره وری (a_{js}) نیز به صورت رابطه (۹) قابل تعدیل است^۱.

$$a_{js} = E_{ijrs}^{1-(AC_s.SA_s.GP_{rs}.TC_{rs})(1+RE_s)} a_{ir} \quad , \quad 0 \leq 1 - \theta'_s \leq 1 \quad (9)$$

برای ورود بهره وری به تابع تولید باید معادله (۹) وارد تابع ارزش افزوده شود. برای این کار باید برای هر عامل تولید یک درصد تغییر در بهره وری تعریف کرده و برای این امر،

۱- رابطه محاسبه درصد تغییرات بهره وری از مطالعه داس و پاول (۲۰۰۰) گرفته شده و عبارت است از:

$$a_{js} = E^{1-\theta_s} a_{ir}$$

$(1 + a_{j,s})$ را در بهره‌وری کل عوامل تولید ضرب کنیم. در این صورت رابطه (۱۰) را خواهیم داشت.

(۱۰)

$$VA_j = (1 + a_{j,s}) B_j^{VA} \left[\beta_j^{VA} LDC_j^{-\rho_j^{VA}} + (1 - \beta_j^{VA}) KDC_j^{-\rho_j^{VA}} \right]^{\frac{-1}{\rho_j^{VA}}}$$

که در آن $KDC_j^{-\rho_j^{VA}}$ ، تقاضا برای سرمایه مصرفی توسط صنعت i ، $LDC_j^{-\rho_j^{VA}}$ ، تقاضا برای نیروی کار مرکب صنعت i ، B_j^{VA} ، بهره‌وری و ρ_j^{VA} ، پارامتر کشش با شرط $-\infty < \rho_j^{VA} < -1$ است. در این معادله B_j^{VA} پارامتر مقیاس است که نماد مقدار بهره‌وری تابع ارزش افزوده است (هاسین و همکاران، ۲۰۱۰: ۹).

بنگاه‌ها برای بیشینه‌سازی سود (و یا کمینه کردن هزینه)، نیروی کار و سرمایه را تا جایی که کار می‌گیرند که ارزش تولید نهایی مساوی قیمت هر بخش (به ترتیب نرخ دستمزد W_L و نرخ اجاره سرمایه $R_{k,j}$) باشد. آزادسازی تجاری با تغییر قیمت کالاهای وارداتی منجر به تغییر میزان تولید کالای مرکب به‌عنوان کالای واسطه‌ای شده و در نتیجه سطح تولید فعالیت‌های اقتصادی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. قیمت کالاهای وارداتی را می‌توان براساس نرخ تعرفه واردات (t) و نرخ ارز (EXR) به صورت رابطه (۱۱) تعریف کرد.

$$PM_{i,j} = PWM_{i,j} * EXR(1 + t) \quad (11)$$

که در آن PM ، قیمت داخلی و PWM ، قیمت جهانی واردات است. با توجه به این رابطه، تغییر نرخ تعرفه سبب تغییر قیمت کالاهای وارداتی شده و براساس رابطه (۱۲) تقاضای واردات تحت تاثیر قرار می‌گیرد:

$$IM_i = \left[\frac{B_i^M PD_i}{(1 - B_i^M) PM_i} \right]^{\sigma_i^M} DD_i \quad (12)$$

در رابطه (۱۲)، IM_i مقدار واردات کالا، DD_i تقاضای داخلی برای کالاهای تولید شده در داخل، PD_i قیمت محصول داخلی فروخته شده در بازار داخلی (شامل همه مالیات‌ها و حاشیه‌های تجاری و بازرگانی) و B_i^M کشش کالای مرکب برای تابع با کشش جانشینی ثابت است. از آنجا که براساس تابع کشش جانشینی ثابت (آرمینگتون)، واردات و تولید داخلی به عنوان دو کالای جانشین ناقص محسوب می‌شوند، بنابراین، با تغییر تقاضا برای واردات، میزان تولید کالای مرکب (Q_i) به عنوان کالای واسطه‌ای، تغییر و در نتیجه سطح تولید فعالیت‌های اقتصادی تحت تاثیر قرار می‌گیرد و رابطه (۱۳) را خواهیم داشت.

$$Q_i = [\beta_i^{M1}IM_i + (1 - \beta_z^{M1})DD_i] \quad (13)$$

تغییر سطح تولید نیز به نوبه خود تقاضا را برای عوامل تولید از جمله تقاضا برای نیروی کار (و در نتیجه دستمزد نیروی کار) و سرمایه (در نتیجه اجاره سرمایه) و همچنین درآمد و مخارج خانوارها تغییر می‌دهد (رابطه (۱۴)). درآمد نیروی کار خانوار مجموع درآمد دریافت شده توسط نیروی کار (معادله (۱۵)) و درآمد سرمایه خانوار نیز شامل مجموع اجاره‌های پرداخت شده برای هر نوع سرمایه‌ای (معادله (۱۶)) در نظر گرفته شده است، بنابراین:

$$YH_h = YHL_h + YHK_h + YHTR_h \quad (14)$$

$$YHL_h = \sum_t W_l \sum_j LD_{l,j} \quad (15)$$

$$YHK_h \sum_t R_{k,j} KD_{k,j} \quad (16)$$

که در آن YH_h درآمد کل خانوار، YHK_h درآمد ناشی از سرمایه، YHL_h درآمد نیروی کار خانوار و $YHTR_h$ درآمد خانوار از پرداخت‌های انتقالی، W_l نرخ دستمزد نیروی کار و $R_{k,j}$ نرخ اجاره سرمایه است. فرض می‌شود تغییر درآمد و مخارج نیز طبق

مطالعات یاشارنل و حبیبیان (۱۳۹۵)، ابونوری و ذوقی (۱۳۹۲) و مرتضوی کاخکی و همکاران (۱۳۹۲) موجب تغییر ضریب جینی و نابرابری درآمدی می‌شود (رابطه (۱۷)):

$$GINI = 1 - \sum_{i=0}^{k-1} (y_{i+1} + y_i)(x_{i+1} - x_i) \quad (17)$$

که در آن x_i فراوانی نسبی جمعیت خانوار و y_i فراوانی نسبی جمعیتی مخارج (درآمد) خانوارهای طبقه i است. y_i در این رابطه در حقیقت همان درآمد (مخارج) خانوارها (YH_i) است.

۵- نتایج تجربی

۵-۱- داده‌های مورد استفاده

برای محاسبه ضرایب و مقادیر متغیرهای برونزا از ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۳۹۰ استفاده شده است. این ماتریس توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در ۷۱ بخش تهیه شده است. در مقاله حاضر، تعدیلاتی در این ماتریس انجام و یک ماتریس ۱۵ بخشی تهیه شده است. ساختار بخش‌های تولیدی و کشش‌های مربوط به آن‌ها در جدول (۲) آورده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، جهت سادگی در تشریح نتایج، مجموع ۱۵ بخش تولیدی به پنج بخش کلی کشاورزی، نفت و گاز و معدن، صنایع، خدمات و سایر بخش‌ها دسته‌بندی شده است. ویژگی سایر بخش‌ها، شامل زیربخش آموزش متوسطه و ابتدایی، بخش مسکن و سایر بخش‌های ماتریس حسابداری اجتماعی، این است که مقدار واردات و صادرات آن‌ها به جهان خارج صفر است. مقادیر کشش‌های جانشینی آرمینگتون و کشش‌های درآمدی در جدول (۲) و کشش‌های جانشینی و تبدیل و قیمتی در جدول (۳) آورده شده است. مقادیر پارامترهای استفاده‌شده در الگو نیز در جدول (۴) نشان داده شده است.^۱

۱ - تمامی محاسبات با استفاده از نرم‌افزار GAMS win32 24.1.2 صورت گرفته است.

جدول (۲): کشش‌های جانشینی آرمینگتون و درآمدی

بخش‌های تولیدی	اجزا	کشش آرمینگتون	کشش درآمدی
کشاورزی	زراعت و باغداری	۲	۰/۹۹۵
	دامداری و ...	۲	۰/۹۹۵
نفت و گاز و معدن	نفت و گاز	۲	۰/۸۸۷
	معادن	۲	۰/۶۲۵
صنایع	مواد غذایی	۲	۱/۰۰۶
	صنایع دارای فناوری پایین	۳/۳۰۷۵	۰/۷۷۹
	صنایع دارای فناوری متوسط	۳	۲/۳۲
	صنایع دارای فناوری بالا	-۰/۱۹	۲/۳۲
خدمات	خدمات حمل‌ونقل	۰/۴	۱/۳
	خدمات بهداشت	۰/۹	۱/۴
	خدمات آموزش عالی	۰/۹	۰/۶
	سایر خدمات ^۱	۰/۹	۱/۲۱
سایر	مسکن	۰/۹	۰/۹
	آموزش ابتدایی و متوسطه	۰/۹	۰/۶
	سایر ^۲	۰/۹	۱/۴۲۵

ماخذ: کشش آرمینگتون: طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵) و کفایی و میری (۱۳۹۰) // کشش درآمدی: متفکر آزاد و همکاران (۱۳۹۴)، خسروی‌نژاد و صیامی (۱۳۹۱) و محمدی و نوروزی (۱۳۹۰)

- ۱- این زیربخش‌ها عبارتند از: برق، توزیع گاز طبیعی - آب - هتل و خوابگاه - رستوران - پست و مخابرات - بانک - بیمه - کرایه و خدمات کسب‌وکار - امور عمومی - تفریحی، فرهنگی و ورزشی - و سایر خدمات.
- ۲- این زیربخش‌ها عبارتند از: سایر ساختمان‌ها - عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها - حمل‌ونقل لوله‌ای - خدمات پشتیبانی و انبارداری - سایر واسطه‌گری‌های مالی و فعالیت‌های جنبی آن‌ها - خدمات واحدهای غیرمسکونی - خدمات دلان مستغلات - خدمات شهری - امور دفاعی - امور انتظامی - تأمین اجتماعی اجباری - مذهبی و سیاسی.

جدول (۳): کشش‌های جانشینی، تبدیل و قیمتی

مقدار	کشش جانشینی
۱	کشش جانشینی بین نیروی کار و سرمایه
۰	کشش جانشینی بین مواد اولیه
۲	کشش جانشینی بین صادرات و فروش در بازار داخل
۱	کشش جانشینی سرمایه مرکب
۱	کشش جانشینی نیروی کار مرکب
۱	کشش تبدیل صادرات و عرضه داخلی
-۰/۵۹	کشش قیمتی تقاضا برای صادرات

ماخذ: کشش‌های جانشینی و قیمتی: طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵) / کشش تبدیل: مهدوی (۱۳۹۳)

جدول (۴): پارامترهای الگو

پارامتر	عنوان پارامتر	وضعیت فعلی	پس از تحقق اقتصاد مقاومتی	ماخذ
AC_S	ظرفیت جذب	۰/۴۸۱	۰/۷۰۵	داس (۲۰۱۵)
SA_S	پذیرش اجتماعی	۰/۲۱	۰/۶۱	داس (۲۰۱۵)
GP_{RS}	حکمرانی خوب	۰/۴۷	۱/۵۲۸	داس (۲۰۱۵)
TC_{RS}	تناسب فناوری	۰/۱۳	۰/۸۸	داس (۲۰۱۵)
E_{RS}	شاخص شدت تجارت	۰/۲۹	۰/۲۴	داس (۲۰۱۵)
RE_S	تاب آوری	-	۰/۴۴۵	بریگاکلیو و همکاران (۲۰۰۸)
θ'_S	کسب فناوری پس از ورود عوامل نهادی به الگو	-	۰/۵	داس (۲۰۱۵)
θ_S	کسب فناوری در وضعیت فعلی و قبل از اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی	۰/۰۰۶۲	-	داس (۲۰۱۵)

توضیحات: شاخص تاب آوری بریگاکلیو (۲۰۰۸) برای ایران ۰/۴۴۵ است و در مقاله حاضر به جای RE، جاگذاری شده است. مقدار پارامتر کسب فناوری بر اساس مطالعه داس (۲۰۱۵)، در وضعیت فعلی اقتصاد ایران ۰/۰۰۶۲ است. با فرض تحقق اقتصاد مقاومتی، مقدار این پارامتر باید افزایش یابد و در این حالت به جای آن، مقدار پارامتر کسب فناوری کشورهای اروپایی بجز ۸ کشور صنعتی (۰/۵) در نظر گرفته شده است. علت انتخاب این مقدار برای بهبود نهادها این است که بر اساس محاسبات نرم‌افزاری تا زمانی که مقدار پارامتر کسب فناوری به مقدار فوق نرسد، هنوز هم اثر آزادسازی تجاری در برخی بخش‌ها بر نابرابری اثر افزایشی است، اما در زمانی که با تحقق اقتصاد مقاومتی، نهادها تقویت شوند به طوری که شاخص کسب فناوری به مقدار فوق برسد، آزادسازی در همه بخش‌ها موجب کاهش نابرابری درآمدی می‌شود.

۵-۲- نتایج شبیه‌سازی

برای رسیدن به اهداف این مقاله، در ابتدا، الگو بدون در نظر گرفتن تعدیلات، حل شده است. نتایج حاصل از حل الگو نشان داد که میزان ضریب جینی به دست آمده (در مناطق شهری ۰/۳۵۶۳ و در مناطق روستایی ۰/۳۲۹۶) به مقدار محاسبه شده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ (مناطق شهری ۰/۳۵۶۸ و مناطق روستایی ۰/۳۳۹۴) بسیار نزدیک است که نشان‌دهنده موفقیت الگو در تشریح وقایع اقتصادی است.

در مرحله دوم دو سناریو در نظر گرفته شده است. در سناریوی اول، وضعیت فعلی کشور در نظر گرفته شده و در سناریوی دوم فرض شده است که با تحقق اقتصاد مقاومتی، وضعیت نهادی کشور بهبود یافته و مقدار پارامتر کسب فناوری افزایش یابد. جهت بررسی تاثیر آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد در قالب سناریوهای مطرح شده، نرخ تعرفه صفر، ۲۵ و ۵۰ درصدی لحاظ شده و ضرایب جینی محاسبه شده است. در ادامه تاثیر این سناریوها در پنج بخش مدنظر در مناطق شهری و روستایی به تفکیک بررسی شده است.

۵-۲-۱- بخش کشاورزی

در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰، بخش کشاورزی شامل ۴ زیربخش است. در مقاله حاضر این بخش در دو زیربخش زراعت و باغداری و زیربخش دامداری، جنگلداری و ماهیگیری تجمیع شده است.

نتایج شبیه‌سازی زیربخش‌های کشاورزی در مناطق شهری و روستایی در جدول (۵) نشان می‌دهد که در وضعیت فعلی اقتصاد ایران، کاهش نرخ تعرفه در بخش زراعت و باغداری از ۵۰ به ۲۵ و صفر موجب کاهش ضریب جینی به ترتیب از ۰/۳۶۱۶۴ به ۰/۳۶۱۵۹ و ۰/۳۶۱۴۸ در مناطق شهری و از ۰/۳۳۸۴۰ به ۰/۳۳۸۳۲ و ۰/۳۳۸۱۶ در مناطق روستایی خواهد شد.

علاوه بر آن، در وضعیت فعلی با کاهش نرخ تعرفه از ۵۰ به ۲۵ و صفر در بخش باغداری و جنگلداری و ماهیگیری و...، ضریب جینی در بخش شهری از ۰/۳۶۱۵۷ به ۰/۳۶۱۵۴ و ۰/۳۶۱۴۸ و در بخش روستایی از ۰/۳۳۸۳۳ به ۰/۳۳۸۲۲ و ۰/۳۳۸۱۱ کاهش خواهد یافت. بنابراین، کاهش تعرفه در هر دو زیربخش کشاورزی موجب افزایش درآمد به نفع اقشار کم‌درآمد و کاهش نابرابری می‌شود.

در تایید این نتایج، حیدری و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از پروژه تحلیل تجارت جهانی، نشان داده‌اند که کاهش نرخ تعرفه‌های بخش کشاورزی، کارایی تخصیص منابع در بخش کشاورزی و تولیدات کشاورزی را افزایش داده و با افزایش تقاضای عوامل تولید نیروی کار ماهر و غیرماهر و سرمایه در این بخش، قیمت عوامل تولید را افزایش (و نابرابری را کاهش) می‌دهد. صادقی و برقی اسکویی (۱۳۸۷) نیز با استفاده از الگوی تعادل عمومی نتیجه گرفته‌اند کاهش نرخ تعرفه در بخش کشاورزی موجب کاهش نابرابری می‌شود.

سمت چپ جدول (۵) نشان می‌دهد پس از تحقق اقتصاد مقاومتی، کاهش نرخ تعرفه و آزادسازی تجاری در هر یک از زیربخش‌های کشاورزی اعم از زراعت و باغداری و دامداری، جنگلداری و ماهیگیری، ضریب جینی و نابرابری را در مناطق شهری و روستایی کاهش خواهد داد.

جدول (۵): تاثیر آزادسازی تجاری در بخش کشاورزی بر ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی

مناطق روستایی		مناطق شهری		بخش‌ها	ضریب جینی
جنگلداری ماهگیری و ...	زراعت و باغداری	جنگلداری ماهگیری و ...	زراعت و باغداری	نرخ تعرفه	وضعیت اجرایی شدن سیاست‌های ابلاغی
۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	$t=0$	شرایط فعلی اقتصاد ایران
۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	$t=0/25$	
۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	$t=0/5$	
۰/۳۳۳۴۱۱۷۰۵	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰۵	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۲	$t=0$	پس از تحقق اقتصاد مقاومتی
۰/۳۳۳۴۱۱۷۰۵	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰۵	۰/۳۵۸۱۱۵	۰/۳۵۸۱۱۵	$t=0/25$	
۰/۳۳۳۴۱۱۷۰۵	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰۵	۰/۳۶۴۹۲۵۴۹۷	۰/۳۶۴۹۲۵۴۹۷	$t=0/5$	

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۲-۲- بخش نفت و گاز و معدن

این بخش شامل دو زیربخش نفت و گاز و معدن است. از آنجا که طبق ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۳۹۰، میزان واردات نفت و گاز بسیار کم است، بنابراین، به جهت نظری، تغییر نرخ تعرفه نباید بر این بخش اثرگذار باشد. نتایج حاصل از شبیه‌سازی در جدول (۶) نشان می‌دهد در بخش نفت و گاز در همه نرخ‌های تعرفه، ضریب جینی در مناطق شهری ۰/۳۶۱۴۸ و در مناطق روستایی ۰/۳۳۸۱ است. بنابراین، در وضعیت فعلی اقتصاد کشور، آزادسازی تجاری در بخش نفت و گاز تاثیری بر نابرابری درآمد ندارد.

نتایج تاثیر کاهش نرخ تعرفه واردات بر ضریب جینی در بخش معدن در بخش شهری و روستایی یکسان است. نتایج شبیه‌سازی در جدول (۶) نشان می‌دهد در وضعیت فعلی، کاهش نرخ تعرفه در بخش معدن ضریب جینی و نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد. در وضعیت فعلی اقتصاد ایران با تغییر نرخ تعرفه از ۵۰ به ۲۵ و صفر درصد، ضریب جینی در بخش شهری به ترتیب ۰/۳۶۱۴۹۶، ۰/۳۶۱۴۹۳ و ۰/۳۶۱۴۸۷ خواهد شد. تغییرات بسیار کم است، اما سیر کاهشی دارد. در مناطق روستایی نیز نتایج به همین صورت است. درخصوص علت کاهش نابرابری درآمدی ناشی از کاهش نرخ تعرفه واردات با توجه به مطالعه احمدوند و دیلمی‌نژاد (۱۳۸۵) می‌توان گفت، بخش معدن در موقعیتی قرار دارد که مزیت نسبی در برخی از فعالیت‌های آن ایجاد شده و رقابت بین-المللی در آن در سطح بالایی قرار دارد. سمت چپ جدول (۶) نشان می‌دهد پس از تحقق اقتصاد مقاومتی، کاهش نرخ تعرفه بخش‌های نفت و گاز و معدن موجب کاهش ضریب جینی و نابرابری در مناطق شهری و روستایی خواهد شد.

جدول (۶): تاثیر آزادسازی تجاری در بخش نفت و گاز و معدن بر ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی

مناطق روستایی		مناطق شهری		بخش‌ها	ضریب جینی
معدن	نفت خام و گاز طبیعی	معدن	نفت خام و گاز طبیعی	نرخ تعرفه	وضعیت اجرایی شدن سیاست‌های ابلاغی
۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	t=۰	شرایط فعلی اقتصاد ایران
۰/۳۳۸۱۸	۰/۳۳۸۱۶۹۴۰۲	۰/۳۶۱۴۹۳۴۱۳	۰/۳۶۱۴۸۷۵۵۷	t=۰/۲۵	
۰/۳۳۸۱۸۶۲۲۴	۰/۳۳۸۱۶۹۳۶	۰/۳۶۱۴۹۶۹۵۷	۰/۳۶۱۴۸۷۵۳۱	t=۰/۵	
۰/۳۳۳۴۱۱۷۰۵	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰۵	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۲	t=۰	پس از تحقق اقتصاد مقاومتی
۰/۳۳۴۱۳۵۶۴۲	۰/۳۳۴۴۰۸۹۳۶	۰/۳۵۸۱۷۱۲	۰/۳۵۸۱۹۹	t=۰/۲۵	
۰/۳۴۳۰۲۱۰۵	۰/۳۴۳۰۱۸۲۱۱	۰/۳۶۴۶۴۹۳۶۳	۰/۳۶۴۶۴۹۶۹۵	t=۰/۵	

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۲-۳- بخش صنعت

بخش تولیدات صنعتی در ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۳۹۰، شامل ۱۴ زیربخش می‌شود که در این مقاله به چهار زیربخش تجمیع شده است. در ابتدا، بخش صنعت براساس مطالعه کرمی تیره (۱۳۹۵) به سه بخش صنایع با فناوری پایین، صنایع با فناوری متوسط و صنایع با فناوری بالا تقسیم شده است. به دلیل اهمیت بخش صنایع غذایی در مباحث اقتصاد مقاومتی و سهم بالای درآمد و هزینه این بخش در ماتریس حسابداری اجتماعی این صنعت به‌طور مجزا به‌عنوان زیربخش چهارم در نظر گرفته شده است.

نتایج شبیه‌سازی زیربخش‌های صنعت در مناطق شهری و روستایی یکسان است. نتایج شبیه‌سازی در جدول (۷) نشان می‌دهد که در وضعیت فعلی اقتصاد ایران، کاهش نرخ تعرفه در بخش صنایع غذایی موجب افزایش ضریب جینی و افزایش نابرابری می‌شود. نتایج مطالعه صادقی و برقی اسکویی (۱۳۸۷) نیز این نتیجه را تایید می‌کند. در بخش صنایع با فناوری پایین در وضعیت فعلی اقتصاد ایران، کاهش نرخ تعرفه و آزادسازی تجاری، موجب افزایش ضریب جینی و افزایش نابرابری در مناطق شهری و روستایی می‌شود.

در بخش صنایع با فناوری بالا، نتایج مشابه صنایع با فناوری پایین است. در وضعیت فعلی کشور، کاهش نرخ تعرفه بخش صنایع با فناوری بالا، ضریب جینی را هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی، افزایش خواهد داد.

در بخش صنایع با فناوری متوسط در وضعیت فعلی اقتصاد ایران، اگر نرخ تعرفه از ۵۰ به ۲۵ درصد کاهش یابد، ضریب جینی در مناطق شهری از ۰/۳۶۸۶۸ به ۰/۳۴۹۰۴ کاهش و با کاهش نرخ تعرفه از ۲۵ به صفر، ضریب جینی به ۰/۳۶۱۴۸ افزایش خواهد یافت. این نتیجه در مناطق شهری و روستایی یکسان است.

نتایج سمت چپ جدول (۷) نشان می‌دهد پس از اجرای سیاست‌های ابلاغی و تحقق اقتصاد مقاومتی، کاهش نرخ تعرفه و آزادسازی تجاری در همه زیربخش‌های صنعت اعم از محصولات صنایع غذایی، صنایع با فناوری پایین، صنایع با فناوری متوسط و صنایع با فناوری بالا، موجب کاهش ضریب جینی و نابرابری در مناطق شهری و روستایی خواهد شد.

جدول (۷): تاثیر آزادسازی تجاری در بخش صنایع بر ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی

نوع منطقه	وضعیت اجرای شدن سیاست‌های ابلاغی	شرایط فعلی اقتصاد ایران			پس از تحقق اقتصاد مقاومتی		
		ت=۰	ت=۰/۲۵	ت=۰/۵	ت=۰	ت=۰/۲۵	ت=۰/۵
مناطق شهری	نرخ تعرفه	ت=۰	ت=۰/۲۵	ت=۰/۵	ت=۰	ت=۰/۲۵	ت=۰/۵
	محصولات غذایی و آشامیدنی	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۱۳۷۷۱۹	۰/۳۶۰۸۹۳۲۸	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۱۳۶	۰/۳۶۲۹۱۱۳۱۹۸
	صنایع با فناوری پایین	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۱۳۰۵۵	۰/۳۶۰۷۸۱۱۴۱	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۱۳۶	۰/۳۶۲۸۱۷۸۷۳
	صنایع با فناوری متوسط	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۰۴۰۱۹۸	۰/۳۶۰۸۹۱۰۸۹	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۱۳۶	۰/۳۶۱۴۹۰۰۲۲
صنایع با فناوری بالا	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۷۰۵۵۹	۰/۳۶۱۴۵۴۴۴۵	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۱۳۶	۰/۳۶۲۸۲۰۰۷۱	
مناطق روستایی	محصولات غذایی و آشامیدنی	۰/۳۳۱۸۹۶۴۹	۰/۳۳۶۱۷۲۵۶	۰/۳۳۷۲۵۷۷۱۷	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰	۰/۳۳۴۱۴۳۲۷	۰/۳۴۱۸۷۷۹۱۹
	صنایع با فناوری پایین	۰/۳۳۱۸۹۶۴۹	۰/۳۳۷۶۱۰۵۸۱	۰/۳۳۷۰۷۳۶۹۶	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰	۰/۳۳۴۱۶۲۹۱۴	۰/۳۴۱۷۱۷۵۷۷
	صنایع با فناوری متوسط	۰/۳۳۱۸۹۶۴۹	۰/۳۲۱۴۰۵۳۱۱	۰/۳۴۷۸۴۳۰۹۲	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰	۰/۳۳۴۱۸۲۸۵۳	۰/۳۳۸۴۴۵۴۶۶
	صنایع با فناوری بالا	۰/۳۳۱۸۹۶۴۹	۰/۳۳۸۱۵۹۲۵۹	۰/۳۳۸۱۴۵۱۰۶	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰	۰/۳۳۳۷۵۲۶۱	۰/۳۴۲۶۰۰۷۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۲-۴- بخش خدمات

در این مقاله، بخش خدمات شامل چهار زیربخش حمل و نقل، بهداشت، آموزش عالی و سایر خدمات است. نتایج شبیه‌سازی در جدول (۸) نشان می‌دهد در وضعیت فعلی اقتصاد ایران، کاهش نرخ تعرفه در بخش حمل و نقل از ۵۰ به ۲۵ و صفر، ضریب جینی را در مناطق شهری به ترتیب از ۰/۳۶۱۳۸۹ به ۰/۳۶۱۴۳۱ و ۰/۳۶۱۴۷ افزایش خواهد داد. نتایج مناطق روستایی نیز به همین صورت است. علاوه بر آن، نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد، کاهش نرخ تعرفه در بخش آموزش عالی نیز در شرایط فعلی، موجب افزایش ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی خواهد شد. نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهد در شرایط فعلی کشور، کاهش نرخ تعرفه در بخش بهداشت، تاثیر قابل توجهی بر ضریب جینی ندارد

و با تغییر نرخ‌های تعرفه مقدار ضریب جینی در مناطق شهری ۰/۳۶۱۴ و در مناطق روستایی ۰/۳۳۸۱ خواهد بود.

جدول (۸): تاثیر آزادسازی تجاری در بخش خدمات بر ضریب جینی مناطق شهری و روستایی

نوع منطقه	وضعیت اجرایی شدن سیاست‌های ابلاغی	شرایط فعلی اقتصاد ایران			پس از تحقق اقتصاد مقاومتی		
		t=۰	t=۰/۲۵	t=۰/۵	t=۰	t=۰/۲۵	t=۰/۵
منطقه شهری	بهداشت	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱	۰/۳۶۱۴۸۶۱۶۸	۰/۳۶۱۴۸۵۱۶۹	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۱۳۳	۰/۳۶۶۶۷۷۵۸۳
	آموزش عالی	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱	۰/۳۶۱۴۸۴۳۹۵	۰/۳۶۱۴۸۲۱۰۴	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۴۶۱	۰/۳۶۶۶۴۵۴۸۹
	حمل و نقل	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱	۰/۳۶۱۴۳۱۶۸۴	۰/۳۶۱۳۸۹۱۹۱	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۶۹۲	۰/۳۶۹۳۷۵۸۷
منطقه روستایی	خدمات شهری و سایر خدمات	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱	۰/۳۶۱۴۲۸۳۵	۰/۳۶۱۳۸۷۷۰۴	۰/۳۵۸۲	۰/۳۵۸۱۶۴	۰/۳۶۳۹۴۵۸۹۵
	بهداشت	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۷۲۶۶	۰/۳۳۸۱۶۵۷۲۸	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰	۰/۳۳۴۱۳۴	۰/۳۳۳۰۱۴۹۴۷
	آموزش عالی	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۴۴۰۵	۰/۳۳۸۱۶۰۷۸۷	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰	۰/۳۳۴۱۳۲	۰/۳۳۳۰۱۱۶۷
	حمل و نقل	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۰۸۷۶۱۶	۰/۳۳۸۰۲۵۳۲۹	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰	۰/۳۳۳۳۸۴۱	۰/۳۳۸۱۶۹۴۵
خدمات شهری و سایر خدمات	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۰۸۷۸۲۴	۰/۳۳۸۰۳۱۷۷۲	۰/۳۳۳۴۱۱۷۰	۰/۳۳۴۰۸۹	۰/۳۴۵۸۸۸۸۳۲	

منبع: یافته‌های پژوهش

در وضعیت فعلی اقتصاد ایران، نتایج تغییر نرخ تعرفه در بخش سایر خدمات در مناطق شهری و روستایی مشابه است. در این حالت کاهش نرخ تعرفه موجب افزایش ضریب جینی و افزایش نابرابری خواهد شد. در این وضعیت با کاهش نرخ تعرفه از ۵۰ به ۲۵ و صفر درصد، ضریب جینی در مناطق شهری به ترتیب از ۰/۳۶۱۳۸۷ به ۰/۳۶۱۴۲ و ۰/۳۶۱۴۸ خواهد یافت. جدول (۸) نشان می‌دهد، نتایج مناطق روستایی هم به همین ترتیب است. بنابراین، آزادسازی تجاری در این بخش موجب افزایش نابرابری خواهد شد. سمت چپ جدول (۸) نشان می‌دهد پس از تحقق اقتصاد مقاومتی با کاهش نرخ تعرفه از ۵۰ به ۲۵ و صفر درصد در بخش‌های بهداشت، آموزش عالی، حمل و نقل و سایر خدمات، ضریب جینی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی کاهش خواهد یافت.

۵-۲-۵- سایر بخش‌ها

نتایج جدول (۹) نشان می‌دهد در صورت آزادسازی تجاری در هر یک از سه بخش آموزش ابتدایی و متوسطه، مسکن و سایر به دلیل اینکه میزان واردات و صادرات این بخش‌ها در ماتریس حسابداری اجتماعی صفر است، ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی ثابت است. در وضعیت فعلی اقتصاد ایران با کاهش نرخ تعرفه واردات در هر یک از این سه بخش، ضریب جینی در مناطق شهری ۰/۳۶۱۴۸ و در مناطق روستایی ۰/۳۳۸۱۶ است. بنابراین، در هر سه بخش آموزش متوسطه و ابتدایی، بخش مسکن و سایر بخش‌ها آزادسازی تجاری تاثیری بر نابرابری درآمد نخواهد داشت. سمت چپ جدول (۹) نشان می‌دهد به دلیل مطرح شده، کاهش نرخ تعرفه حتی پس از اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تاثیری بر ضریب جینی و نابرابری درآمدی در مناطق شهری و روستایی نخواهد داشت.

جدول (۹): تاثیر آزادسازی تجاری در بخش سایر بر ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی

پس از تحقق اقتصاد مقاومتی			شرایط فعلی اقتصاد ایران			وضعیت اجرایی شدن سیاست‌های ابلاغی	نوع منطقه
t = ۰/۵	t = ۰/۲۵	t = ۰	t = ۰/۵	t = ۰/۲۵	t = ۰	نرخ تعرفه	نوع منطقه
۰/۳۵۸۱۶۴	۰/۳۵۸۱۶۴	۰/۳۵۸۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	آموزش ابتدایی و متوسطه	مناطق شهری
۰/۳۵۸۱۶۴	۰/۳۵۸۱۶۴	۰/۳۵۸۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	مسکن	
۰/۳۵۸۱۶۴	۰/۳۵۸۱۶۴	۰/۳۵۸۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	۰/۳۶۱۴۸۷۶۱۲	سایر	
۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	آموزش ابتدایی و متوسطه	مناطق روستایی
۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	مسکن	
۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۶۱۷۵۱۷	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	۰/۳۳۸۱۶۹۴۹	سایر	

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۲-۶- تحلیل حساسیت

اصلی ترین انتقاد به استفاده از کالیبراسیون در الگوهای تعادل عمومی این است که نمی-توان درجه پایداری پارامتر برآوردی و نتایج شبیه سازی را آزمون کرد. برای پاسخگویی به این انتقاد و برای اطمینان از دقت نتایج الگو از تحلیل حساسیت^۱ نسبت به مقادیر کشش ها استفاده شده است. ضریب جینی در بازه صفر، ۲۰ و ۴۰ درصد افزایش و کاهش برای یکی از سناریوها محاسبه و میزان حساسیت آن به تغییرات سنجش شده است. نتایج حاصل از تحلیل حساسیت در جدول (۱۰) نشان می دهد بجز کشش جانشینی تولید کل و کشش آرمینگتون صنایع با فناوری بالا و فناوری متوسط، ضریب جینی، حساسیت بسیار ناچیزی نسبت به تغییر کلیه کشش های جانشینی دارد.

جدول (۱۰): نتایج تحلیل حساسیت

عنوان کشش	کشش پایه	کاهش ۲۰ درصد	کاهش ۴۰ درصد	افزایش ۲۰ درصد	افزایش ۴۰ درصد
ارزش افزوده	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۳۸۰۳۶۱۴	۰/۳۶۴۱۱۴۸۷۹	۰/۳۶۳۴۹۳۲۷۱	۰/۳۶۳۴۰۴۷۸۱
تولید کل	۰/۳۶۱۹۴۰۹۱۵	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۶	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۸	۰/۳۶۲۰۶۴۲۶	۰/۳۶۲۰۶۴۴۱۳
جانشینی تولید و صادرات	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۳۶۷۹۶۴۱	۰/۳۶۳۷۶۶۰۷۸	۰/۳۶۳۵۶۱۷۵۴	۰/۳۶۳۵۲۸۹۱۱
تقاضای جهانی برای صادرات	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۲۵۱۳۰۷	۰/۳۶۲۴۹۸۱۰۴	۰/۳۶۱۷۴۷۳۹۳	۰/۳۵۹۰۰۳۷۱۸
جانشینی سرمایه مرکب	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۳	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۳	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۳	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۳
جانشینی نیروی کار مرکب	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۳	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۳	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۳	۰/۳۶۲۰۶۴۴۳۳
آرمینگتون زراعت	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۰۰۶۲۴۹	۰/۳۶۲۰۶۵۱۹۴	۰/۳۶۱۸۶۸۰۹۱	۰/۳۶۱۷۸۶۴۱۴
آرمینگتون دام پروری	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۴۳۲۶	۰/۳۶۱۹۴۷۷۲	۰/۳۶۱۹۳۷۸۵	۰/۳۶۱۹۳۴۰۲۷
آرمینگتون مواد غذایی	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۶۶۸۳۱	۰/۳۶۲۰۰۲۵۲۷	۰/۳۶۱۹۲۱۲۴۳	۰/۳۶۱۹۰۵۸۰۲
آرمینگتون صنایع پایین	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۸۷۸۲	۰/۳۶۱۹۶۲۷۷۸	۰/۳۶۱۹۳۵۸۷۴	۰/۳۶۱۹۲۳۳۶۹

عنوان کتشی	کتش پایه	کاهش ۲۰ درصد	کاهش ۴۰ درصد	افزایش ۲۰ درصد	افزایش ۴۰ درصد
آرمینگتون خدمات حمل و نقل	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۰۸۹۴۵	۰/۳۶۱۸۷۰۰۱	۰/۳۶۱۹۶۷۶۳۵	۰/۳۶۱۹۹۰۳۰۱
آرمینگتون خدمات بهداشت	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۸۸۷	۰/۳۶۱۹۴۰۸۵۸	۰/۳۶۱۹۴۰۹۴۲	۰/۳۶۱۹۴۰۹۷
آرمینگتون خدمات آموزش عالی	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۴۰۹	۰/۳۶۱۹۳۹۸۵۷	۰/۳۶۱۹۴۱۳۷۹	۰/۳۶۱۹۴۱۸۰۷
آرمینگتون سایر مسکن	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵
آرمینگتون سایر خدمات	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۰۵۸۱۷۸	۰/۳۶۲۰۵۱۷۷	۰/۳۶۲۰۷۰۵۴	۰/۳۶۲۰۷۶۵۰۵
آرمینگتون سایر بخش‌ها	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵
آرمینگتون معدن	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۰۶۴۴۰۱	۰/۳۶۲۰۶۴۳۷۳	۰/۳۶۲۰۶۴۴۷	۰/۳۶۲۰۶۴۵۱۵
آرمینگتون نفت و گاز	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۰۶۴۴۰۲	۰/۳۶۲۰۶۴۳۷۱	۰/۳۶۲۰۶۴۴۶۴	۰/۳۶۲۰۶۴۴۹۵
آرمینگتون آموزش ابتدایی	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵
آرمینگتون صنایع با فناوری بالا	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۶۶۹۱۱۴	۰/۳۶۲۷۴۰۸۰۷	۰/۳۶۱۹۹۶۹۱۶	۰/۳۶۱۹۳۲۵۲۳
آرمینگتون صنایع متوسط	۰/۳۶۱۹۴۰۱۵	۰/۳۶۲۱۲۹۵۹۶	۰/۳۶۲۴۶۵۹۹۹	۰/۳۶۱۸۲۰۱۷۱	۰/۳۶۱۷۳۶۲۷

منبع: یافته‌های پژوهش

۶- تجزیه و تحلیل نتایج تجربی

در این مقاله نتایج بررسی تاثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمد را در دو حالت می‌توان تحلیل کرد؛ حالت اول اینکه، آزادسازی تجاری و کاهش نرخ تعرفه می‌تواند بر اساس معادلات (۱۱) تا (۱۷) با تغییر قیمت واردات و صادرات کالاها بر نابرابری درآمد موثر باشد. بر اساس نتایج سمت راست جداول (۵) تا (۸)، آزادسازی تجاری می‌تواند در برخی بخش‌ها همانند زراعت، دامداری و جنگلداری و معدن باعث کاهش نابرابری شود. در بقیه بخش‌های مورد بررسی، کاهش نرخ تعرفه، نابرابری را افزایش داده و یا بر آن

تأثیری نداشته است. حالت دوم این است که علاوه بر تأثیر کاهش نرخ تعرفه و کاهش قیمت کالاهای وارداتی، براساس روابط (۷) تا (۱۰)، تأثیر اقتصاد مقاومتی و عوامل نهادی-اجتماعی بر سرریز فناوری، بهره‌وری، تولید و نابرابری درآمد بررسی شده است. در این حالت، اقتصاد مقاومتی با تقویت پارامتر کسب فناوری می‌تواند با افزایش سرریز فناوری و بهره‌وری، تولید هر بخش را افزایش دهد. افزایش پارامتر کسب فناوری می‌تواند قیمت صادرات کالاها را نسبت به قیمت واردات کاهش داده و با افزایش میزان صادرات نسبت به واردات کالا، تراز تجاری را بهبود بخشیده و با افزایش درآمد خانوارها، نابرابری را کاهش دهد (داس، ۲۰۰۷: ۲۸).

جدول (۱۱) نشان می‌دهد در همه بخش‌ها و به‌ویژه در بخش‌های صنعتی (که با وجود کاهش نرخ تعرفه، نابرابری درآمد بیشتر شده بود) در اثر تقویت عوامل نهادی-اجتماعی و افزایش پارامتر کسب ناشی از تحقق اقتصاد مقاومتی، قیمت صادرات نسبت به واردات کاهش یافته و با افزایش میزان صادرات نسبت به واردات و افزایش تشکیل سرمایه ناشی از افزایش سرریز فناوری (ستون آخر جدول (۱۱))، درآمد و تولید، افزایش و نابرابری، کاهش یافته است.

نتایج نشان می‌دهد با کاهش نرخ تعرفه و آزادسازی تجاری در بخش‌های صنعتی، آموزش عالی و حمل‌ونقل و سایر خدمات، نابرابری افزایش یافته (جداول (۷) و (۸))، اما تحقق اقتصاد مقاومتی توانسته با تأثیر بر تشکیل سرمایه، تولید و درآمد، نابرابری را کاهش دهد. علاوه بر آن، به علت اینکه در بخش‌های آموزش ابتدایی و متوسطه، مسکن و سایر، میزان صادرات و واردات در ماتریس حسابداری اجتماعی صفر است، کاهش نرخ تعرفه واردات تأثیری بر ضریب جینی ندارد.

جدول (۱۱): تاثیر کاهش نرخ تعرفه بر قیمت صادرات و واردات بعد از اجرای اقتصاد مقاومتی

میزان افزایش تشکیل سرمایه ثابت	تغییر قیمت صادرات	قیمت صادرات در نرخ تعرفه ۵۰ درصد	قیمت صادرات در نرخ تعرفه ۲۵ درصد	تغییر در قیمت واردات	قیمت واردات در نرخ تعرفه ۵۰ درصد	قیمت واردات در نرخ تعرفه ۲۵ درصد	
۵۵۰/۷۵۹۵۰۸	-۰/۳۷۹۰۳	۳/۶۰۸۶۱۶	۳/۲۲۹۵۷۷	-۰/۲۵۴۵۲	۰/۵۲۷۰۹۷	۱/۲۷۲۵۸۱	صنایع مواد غذایی
۵۴۹/۸۴۷۰۲۸	-۱/۶۴۹۲۷	۴/۶۸۳۸۱۶	۳/۰۳۴۵۴۲	-۰/۲۵۷۱۱	۱/۵۴۲۶۵۲	۱/۲۸۵۵۴۴	صنایع دارای فناوری پایین
۵۳۶/۲۷۵۷۶۲	-۲/۱۸۳۲۰	۱۰/۲۷۶۱۶۸	۸/۰۹۲۹۵۸	-۰/۲۵۴۰۵	۱/۵۲۴۳۰۳	۱/۲۷۰۲۵۲	صنایع دارای فناوری متوسط
۵۶۹/۶۸۰۸۳۲	۰/۱۲۶۸۶	۰/۶۱۴۷۱۹	۰/۷۴۱۵۸۷	-۰/۲۶۱۱۹	۱/۵۶۷۱۲۹	۱/۳۰۵۹۴۰	صنایع دارای فناوری بالا
۵۴۹/۹۸۵۴۴۴	-۰/۰۰۰۱۲	۲/۰۵۵۴۶۱	۲/۰۵۵۴۷۳	-۰/۳۳۲۸۶	۱/۹۹۷۱۴۰	۱/۶۶۴۲۸۳	نفت و گاز
۵۵۰/۱۴۲۶۵۷	-۰/۰۲۶۱۳۳	-۲/۵۱۴۱۸۷	-۲/۵۴۰۳۲۱	-۰/۲۵۱۹۲	۱/۵۱۱۴۹۰	۱/۲۵۹۵۷۵	خدمات حمل و نقل
۵۴۹/۹۵۳۱۸۴	-۰/۰۱۴۸۸	-۰/۸۶۸۵۳۲	-۰/۸۸۳۴۱۶	-۰/۲۵۰۶۸	۱/۵۰۴۱۰۸	۱/۲۵۳۴۲۳	خدمات آموزش عالی
۵۴۹/۵۵۰۸۸۹	-۰/۰۰۲۸۳	-۱/۵۴۴۲۵۶	-۱/۵۴۷۰۹۳	-۰/۲۵۱۷۶	۱/۵۱۰۵۸۶	۱/۲۵۸۸۲۲	سایر خدمات
۵۴۹/۹۶۵۷۷۴	-۰/۰۰۰۷۸	-۰/۰۶۷۷۴۳	-۰/۰۶۸۵۲۵	-۰/۲۵۰۹۶	۱/۵۰۵۷۷۸	۱/۲۵۴۸۱۵	خدمات بهداشت

منبع: یافته‌های پژوهش

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در دهه‌های اخیر تحولات چشمگیری در سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی کشورهای جهان رخ داده است. ویژگی برجسته این تحولات، تاکید برافزایش سطح تجارت بین‌الملل -با اتخاذ سیاست‌های مختلفی همچون آزادسازی تجاری و حذف موانع بر سر جریان کالاها و خدمات و سرمایه بین‌المللی- است (اسمعیلی و مقدسی، ۱۳۸۸: ۱۶).

مشکلات ناشی از اجرای سیاست‌های اقتصادی مرسوم و شرایط خاص اقتصاد ایران در صحنه بین‌الملل و وجود تحریم‌های ظالمانه و فشارهای مختلف از سوی کشورهای سلطه‌طلب دنیا موجب اتخاذ سیاست‌های خاص مبتنی بر شرایط بومی اقتصاد ایران و نیز

ویژگی‌های اقتصاد اسلامی شده که اقتصاد مقاومتی نام‌گذاری شده است. در متن سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، توجه ویژه‌ای به عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری و سیاست‌های تجاری شده است. همچنین در سیاست‌های ابلاغی به اهمیت جذب فناوری (شاخص ظرفیت جذب)، توسعه منابع انسانی (شاخص پذیرش اجتماعی)، شاخص حکمرانی (شاخص حکمرانی خوب) و تناسب فناوری اشاره شده است. تقویت این شاخص‌ها موجب افزایش سرریز فناوری و بهره‌وری می‌شود. بنابراین، آزادسازی تجاری در شرایط تحقق اقتصاد مقاومتی، می‌تواند با افزایش سرریز فناوری و بهره‌وری، تولید را افزایش داده و با افزایش تقاضا و درآمد عوامل تولید، سطح نابرابری را کاهش دهد.

در مقاله حاضر الگویی تصریح شده است که در آن تاثیر تحقق اقتصاد مقاومتی (با توجه به عوامل نهادی-اجتماعی) بر رابطه بین آزادسازی تجاری و نابرابری در آمد بررسی شده است. همچنین با استفاده از یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه تعدیل شده ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰ به بررسی اهداف مقاله در ایران پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد قبل از تحقق اقتصاد مقاومتی و در شرایط فعلی اقتصاد کشور، کاهش نرخ تعرفه در بخش‌های زراعت و باغداری، جنگلداری و معدن، موجب کاهش ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی خواهد شد. علاوه بر آن، کاهش نرخ تعرفه در بخش‌های صنایع غذایی، صنایع با فناوری پایین، صنایع با فناوری بالا، آموزش عالی، حمل‌ونقل و سایر خدمات موجب افزایش ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی خواهد شد.

کاهش نرخ تعرفه در بخش صنایع با فناوری متوسط از ۵۰ به ۲۵ درصد موجب کاهش ضریب جینی و با کاهش نرخ تعرفه از ۲۵ به صفر درصد موجب افزایش ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی خواهد شد. کاهش نرخ تعرفه در بخش‌های نفت و گاز و بهداشت نیز تاثیری بر ضریب جینی مناطق شهری و روستایی ندارد.

نتایج مقاله نشان می‌دهد، بعد از اجرای سیاست‌های ابلاغی و تحقق اقتصاد مقاومتی، کاهش نرخ تعرفه در همه بخش‌های ذکر شده، موجب کاهش ضریب جینی و نابرابری خواهد شد. در هر دو وضعیت قبل و بعد از اجرای سیاست‌های ابلاغی، کاهش نرخ تعرفه در بخش‌های آموزش ابتدایی و متوسطه، مسکن و سایر بخش‌ها، تاثیری بر ضریب جینی مناطق شهری و روستایی ندارد.

پیشنهاد می‌شود در کنار اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به بهبود وضعیت نهادی کشور توجه شود. همچنین در شرایط فعلی نهادی اقتصاد ایران، سیاست آزادسازی تجاری در راستای اقتصاد مقاومتی در هیچ‌یک از زیربخش‌های صنعت (شامل محصولات غذایی و آشامیدنی، صنایع با فناوری پایین، صنایع با فناوری متوسط و صنایع با فناوری بالا) و خدمات (شامل آموزش عالی، حمل‌ونقل و سایر خدمات) به صلاح اقتصاد ایران نیست و موجب افزایش نابرابری درآمدی می‌شود. بنابراین، سیاست آزادسازی تجاری به‌طور کلی نباید دنبال شود و بر اساس اهداف مختلف، بخش‌های خاص باید مدنظر قرار گیرد.

همچنین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی به اثرات قیمتی ناشی از آزادسازی تجارت توجه شده و به ارتباط بین قیمت کالاها و قیمت عوامل (از مهم‌ترین عوامل توضیح‌دهنده تجارت و توزیع درآمد) پرداخته شود. همچنین با توجه به اهمیت بررسی اثر رفاهی آزادسازی تجاری، پیشنهاد می‌شود تاثیر آزادسازی تجاری در بخش‌های مختلف بر رفاه خانوارها نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

منابع

الف - فارسی

- ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶)، «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۱.
- ابونوری، اسمعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۷)، «تجزیه و تحلیل عامل‌های موثر بر نابرابری اقتصادی در ایران با استفاده از ریزداده‌ها»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۰، ۹۹-۱۲۲.
- ابونوری، اسمعیل و الناز ذوقی (۱۳۹۲)، «برآورد و مقایسه نابرابری توزیع درآمد با روش‌های پارامتریک و نا پارامتریک»، *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، سال هشتم، شماره ۱۶، ۱۳-۳۰.
- احمدوند، محمدرحیم و رضا دیلمی‌نژاد (۱۳۸۵)، «بررسی فرآیند جهانی‌شدن بخش صنعت و معدن در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره‌های ۳۹ و ۴۰، ۵-۲۶.
- اخوان، پیمان، ساناز ایمانی و معصومه نبی‌زاده (۱۳۹۵)، «تبیین مولفه‌های اقتصاد مقاومتی در کشور با بهره‌گیری از روش دیمتل آی اس ام فازی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال چهاردهم، ۵۳، ۱-۳۶.
- آذربایجان، کریم، ندا سمیعی و همایون شیرازی (۱۳۹۰)، «اثر نهادها بر روی تجارت دو جانبه کشورهای منتخب خاورمیانه»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۱، ۲۳-۴۵.
- اسدی، علی (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال دوم، ۵، ۲۵-۳۹.
- اسمعیلی، سحر، و رضا مقدسی (۱۳۸۸)، «مطالعه روند آزادسازی تجاری در بخش‌های کشاورزی و صنعت»، *مجله ترویج و اقتصاد کشاورزی*، سال دوم، شماره ۲، ۱۵-۲۵.
- اصغرپور، حسین، بهزاد سلمانی و صمد حکمتی فرید (۱۳۹۳)، «تاثیر جهانی‌شدن بر توزیع درآمد در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، سال دوم، شماره ۶، ۱۲۳-۱۴۰.
- امیری، هادی و زهره رضا پور (۱۳۹۳)، «سرمایه اجتماعی: تحدید دارایی یا پارامتر انتقال؟ با رویکرد اقتصاد هزینه مبادله»، *فصلنامه اقتصاد تطبیقی*، سال اول، شماره دوم، ۱-۱۶.

امیری طهرانی زاده، سید محمدرضا (۱۳۹۴)، «مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی»، جستارهای اقتصادی ایران، ۲۳، ۳۳-۵۱.

برقی اسکویی، محمدمهدی، حسین صادقی و داود بهبودی (۱۳۸۸)، «تاثیر کاهش نرخ تعرفه کالاهای وارداتی بر سطح اشتغال و توزیع درآمد بین خانوارهای شهری و روستایی»، پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، شماره چهارم، ۸۹-۱۱۱.

جلایی، سید عبدالمجید و مصطفی گرگینی (۱۳۹۲)، «بررسی تاثیر تجارت خارجی بر توزیع درآمد بین هر یک از دهک‌های درآمدی شهری ایران»، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال بیستم، ۵، ۴۸-۶۸.

جمالی، یعقوب و علی جابری (۱۳۹۴)، «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام»، معرفت، سال بیست و چهارم، ۲۱۳، ۹۱-۱۰۶.

حسینی، مهدی و الماس نصر دهریری (۱۳۹۳)، «اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی: مقایسه تحریم‌های اقتصادی در دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال دوم، ۶، ۱۶۳-۱۸۹.

حشمتی مولایی، حسین (۱۳۹۴)، «ریشه‌های هنجاری در اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه روند، سال بیست و دوم، ۷۱، ۱۶۹-۱۹۲.

حیدری، حسن، نرمین داودی و معصومه پاشا زانوسی (۱۳۹۴)، «آثار کاهش تعرفه بخش کشاورزی بر متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از پروژه تحلیل تجارت جهانی»، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۲۹، شماره ۳، ۳۰۸-۳۱۸.

خانباشی، محمد و غلامرضا بستان‌منش (۱۳۹۴)، «سهم سرمایه‌های انسانی و نیروی کار در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی»، اقتصاد کار و جامعه، ۱۳۵، ۳۱-۳۷.

خسروی‌نژاد، علی‌اکبر و ابراهیم صیامی عراقی (۱۳۹۱)، «برآورد تغییرات رفاهی مصرف‌کنندگان در ایران با استفاده از شاخص درست هزینه زندگی»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال ششم، شماره ۲۰، ۵۷-۷۴.

رضا پور، زهره و هادی امیری (۱۳۹۳)، «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر ورود بنگاه‌ها به بازارگانی خارجی، مطالعه موردی صادرکنندگان خشکبار»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۵۷.

سالم، بهنام و نفیسه یوسف پور (۱۳۹۱)، «بررسی آثار آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه»، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱، ۹۳-۱۰۴.

سیف، اله‌مراد و علی‌اکبر حافظیه (۱۳۹۲)، «راهبرهای تجارت بین‌الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، ۱۸۳، ۶۰-۲۱۶.

شقایق شهری، وحید (۱۳۹۶)، «نقش اقتصاد دانش‌بنیان در همگرایی تجاری کشورهای اسلامی (رویکرد برون‌گرایی اقتصاد مقاومتی)»، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۲۸، ۹-۱۳.

صادقی، حسین و مهدی برقی اسکویی (۱۳۸۷)، «آزادسازی تجاری با تاکید بر کاهش تعرفه و تاثیر آن بر نابرابری دستمزدها با استفاده از رهیافت الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه»، پژوهش‌های اقتصادی، ۱۴۷-۱۷۴.

صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۰)، اقتصاد ما، ترجمه: ع-اسپهبدی، جلد دوم، تهران: اسلامی.

صمدی، علی حسین (۱۳۸۱). «شناسایی مهم‌ترین منابع افزایش‌دهنده نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران: تجزیه و تحلیل ضریب جینی (۱۳۷۰ و ۱۳۷۵)»، مجله برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۷۴، ۳۳-۵۲.

صمدی، علی حسین و جواد آماره (۱۳۸۹)، «جرائم اقتصادی نابرابری توزیع درآمد و توسعه اقتصادی: اقتصاد ایران (۱۳۶۴-۱۳۸۵)»، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۱۴، ۶۹-۹۲.

صمصامی، حسین و عذرا داغمه‌چی فیروزچاهی (۱۳۹۱)، «اثر آزادسازی تجاری بر بهره‌وری کل عوامل تولید بنگاه‌ها (با تاکید بر نرخ تعرفه)»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۴۴، ۱۷۳-۱۴۷.

طیعی، سید کامیل و شیرین مصری‌نژاد (۱۳۸۶)، «آزادسازی تجاری بخش کشاورزی و کاربرد الگوهای تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE): مطالعه خانوارهای ایرانی»، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۴، ۱۵-۲۴.

طیعی، کامیل و بهاره ملکی (۱۳۹۰)، «آثار باز بودن تجارت بر نابرابری درآمد: مورد ایران و شرکای تجاری»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۴، ۱۱-۳۵.

عبداله میلانی، مهنوش، سهیلا پروین و کوثر سیدی (۱۳۹۶)، «ساختار تصاعدی مالیات بر درآمد و اثر آن بر نابرابری درآمد در استان‌های کشور»، پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۶، ۱-۲۲.

تاثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمدی ... ۷۷

- فطرس، محمدحسن و رضا معودی (۱۳۹۰)، «رابطه بین نابرابری درآمد و نابرابری مخارج مصرفی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، شماره ۴۰، ۳۴۱-۳۶۵.
- فلاحتی، علی، یونس گلی و حسین گلی (۱۳۹۴)، «آزادسازی تجاری و نابرابری دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی»، *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، سال ۲۲، ۹، ۲۱۱-۲۳۲.
- کرمی تیره، حمیده (۱۳۹۵)، «طبقه‌بندی سطوح تکنولوژی بر اساس استانداردهای بین‌المللی»، *پارک علم و فناوری استان سیستان و بلوچستان*.
- کفایی، سید محمدعلی و ندا میری (۱۳۹۰)، «تخمین کشش‌های جانشینی آرمینگتون برای کالاهای منتخب»، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال یازدهم، ۲۷-۴۵.
- متفکر آزاد، محمدعلی، پرویز محمدزاده، سید کمال صادقی و صمد حکمتی فرید (۱۳۹۴)، «کاربرد الگوی سیستم تقاضای مستقیم جمع‌پذیر ضمنی در تبیین رفتار مصرفی خانوارهای شهری و روستایی کشور»، *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، سال دوم، شماره ۱، ۵۴-۶۲.
- محمدزاده طباطبایی، شراره، ابراهیم هادیان و منصور زیبایی (۱۳۹۵)، «تعیین میزان یارانه مناسب جهت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران با استفاده از یک الگوی تعادل عمومی»، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۲۹-۱۶۷.
- محمدی، حمید و قاسم نوروزی (۱۳۹۰)، «آزمون کشش‌پذیری مصرف کالاهای اساسی ایران با استفاده از الگوی تقاضای تقریباً آرمانی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۹، ۳۱۱-۳۲۶.
- محمدیان منصور، صاحبه و ابوالقاسم گلخندان (۱۳۹۵)، «تاثیر چرخه‌های تجاری بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب (رهیافت Cup-FM)»، *فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال هشتم، شماره دوم، ۷-۳۸.
- مرتضوی کاخکی، مرتضی، ایمان حقیقی و محمدحسین مهدوی عادل (۱۳۹۲)، «رابطه برابری فرصت و برابری درآمد در مناطق ایران: مدل‌سازی تعادل عمومی»، *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، سال بیستم، شماره ۵، ۶۹-۹۵.
- مهدوی، روح‌الله (۱۳۹۳)، «ارزیابی سیاست‌های مکمل اصلاح قیمت انرژی در بخش حمل‌ونقل: الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر»، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۴۵-۱۷۸.

میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *اقتصاد اسلامی*، ۴۹، ۴۷-۷۶.

یاشارئل، سپیده و مجید حبیبیان نقیبه (۱۳۹۵)، «اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر فقر و توزیع درآمد در ایران: مدل‌سازی تعادل عمومی عرضه کار»، *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، شماره ۲۳، ۱۵۹-۱۹۶.

ب- انگلیسی

- Anderson, J. E., and Marcouiller, D. (2002), "Insecurity and the Pattern of Trade: An Empirical Investigation", *Review of Economics and Statistics*, 84, 342-352.
- Barro, R. J. (2000), "Inequality and Growth in a Panel of Countries", *Journal of Economic Growth*, 5, 5-32.
- Bruguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., and Vella, S. (2008), "Progress Report on the Commonwealth Secretariat Project-profiling Economic Vulnerability and Resilience", in Small States, Commonwealth Finance Ministers Meeting, St Lucia, 6-8 October.
- Calderon, C., and Chong, A. (2001), "External Sector and Income Inequality in Interdependent Economies using a Dynamic Panel Data Approach", *Economic Letters*, 71(2), 225-231.
- Coe, D. T., Helpman, E., and Hoffmaister, A. (2008), "International R&D Spillovers and Institutions", IMF Working Paper, WP/08/104.
- Das, G. G. (2015), "Why Some Countries are Slow in Acquiring new Echnologies? A Model of Trade-led Diffusion and Absorption", *Journal of Policy Modeling*, Retrived from <http://dx.doi.org/10.1016/j.jpolmod>.
- Das, G. G. (2007), "Does Trade and Technology Transmission Facilitate Inequality Convergence? An Inquiry into the Role of Technology in Reducing the Poverty of Nations", International Monetary Fund Working Paper, 1-40.
- Das, G. G. (2012), "Globalization, Socio-institutional Factors and North-South Knowledge Diffusion: Role of India and China as Southern Growth Progenitors", *Technological Forecasting & Social Change*, 79, 620-637.
- Das, G. G., and Powell, A. A. (2000), "Absorption Capacity Structural Similarity and Embodied Technology Spillovers in a Macro Model: An Implementation within the GTAP Framework", *Center of Policy Studies, Monash University*.

- Decaluwe, B., Lemelin, A., Robichaud, V., and Maisonnave, H. (2013), *The PEP standard single-country static CGE model*, (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd>).
- De Groot, H.L.F., Linders, G.J., Rietveld, P., and Subramania, U. (2003), "The Institutional Determinants of Bilateral Trade Patterns", *Kyklos*, 57, 103-124.
- Dollar, D., and Kraay, A. (2002), "Growth is Good for the Poor", *Journal of Economic Growth*, 7, 195-225.
- Edwards, S. (1997), "Trade Policy, Growth, and Income Distribution", *The American Economic Review*, 87(2).
- Fischer, D. (2001), "The Evolution of Inequality After Trade Liberalization", *Journal of Development Economics*, 66, 555-579.
- Gani, A., and Prasad, B. C. (2006), "Institutional Quality and Trade in Pacific Island Countries", Asia Pacific Research and Training Network on Trade. Working Paper Series, No.20.
- Hassin, N. B., Ronichaud, V., and Decaluwe, B. (2010), "Agricultural trade liberalization, Productivity Gain and Poverty Alleviation: A General Equilibrium Analysis, ERF", 16th Annual Conference, Egypt.
- Jansen, M. and Nordas, H. K. (2004), "Institutions, Trade Policy and Trade Flows", *World Trade Organization, CEPR Discussion Paper*, No. 4418.
- Kahai, Simran K., and Simmons, w. (2005), "The Impact of Globalization on Income Inequality", *Global Business and Economics Review*, 7(1), 1-15.
- Lavallee, E. (2005), "Institutional Similarity, Institutions' Quality and Trade", *European Trade Study Group*, etsg.org/ETSG2005/papers.
- Levchenko, A. A. (2007), "Institutional Quality and International Trade", *Review of Economic Studies*, 74, 791-819.
- Lin, F., and Fu, D. (2016), "Trade, Institution Quality and Income Inequality", *World Development*, 77, 129-142.
- Lucas, R.E. JR. (2009), "Trade and the Diffusion of the Industrial Revolution", *American Journal of Macroeconomics*, 1 (1), 1-25.
- Ravallion, M. (1994), *Poverty Comparisons*, *Business & Economics*, Harwood Academic Books.
- Spilimbergo, A. Luis, J. and Sekely, M. (1999), "Income Distribution, Factor Endowments, and Trade Openness", *Journal of Development Economics*, 59, 77-101.
- Van Meijl, H., and Van Tongeren, F. (1999), "Trade, Technology Spillovers, and Food Production in China", *Weltwirtschaftliches Arch. Band*, 134, 443-449.

Archive of SID

۸۰ فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۴، پاییز ۱۳۹۸

White, H., and Anderson, E. (2001), "Growth Versus Distribution: Does the Pattern of Growth Matter?", *Development Policy Review*, 19, 267-289.